



د حقوقو لپه اړخه لېوالت سازمان
International Development Law Organization
Organisation Internationale de Droit du Développement
سازمان بين المللي انكشاف حقوق

حقوق جزای عمومی

(۵)

بدیل حبس

Alternatives to Incarceration

چاپ دوم

قوس ۱۳۹۹ هـ

تهیه کننده: سازمان بین المللی انکشاف حقوق (IDLO)

کابل، افغانستان

وب سایت: www.idlo.int

در مورد این جزوه

تمام مواد و مندرجات این جزوه در مطابقت با قوانین افغانستان ترتیب گردیده است. به منظور اطمینان از مطابقت با تعدیلات جدید در قوانین افغانستان لازم است این جزوه در فواصل زمانی معین مورد بازنگری قرار گیرد. حق هر نوع تغییر جزئی یا کلی در این جزوه مربوط به سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) می‌باشد.

تمام موادی که محتوی این کتاب را تشکیل می‌دهد برای استفاده شخصی و غیر تجارتي شما است. حق طبع و نشر این مواد برای سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) محفوظ است.

قوانین مورد استفاده در این جزوه آموزشی:

۱. کود جزاء، سال ۱۳۹۶ هـ.

۲. ضمیمه شماره دوم قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، منتشره جریده

رسمی شماره ۱۲۸۶ مؤرخ ۱۵ حوت ۱۳۹۶ هـ.

فهرست مطالب

مقدمه: ۱

فصل اول

مفاهیم و کلیات بدیل حبس

مبحث اول: مفهوم بدیل حبس: ۴

گفتار اول: مفهوم لغوی بدیل حبس: ۴

گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی بدیل حبس: ۵

مبحث دوم: تاریخچه بدیل حبس: ۷

مبحث سوم: اهداف بدیل حبس: ۱۰

مبحث چهارم: شرایط تعیین بدیل حبس، موانع و سقوط حکم آن: ۱۶

گفتار اول: شرایط تعیین بدیل حبس: ۱۶

گفتار دوم: موارد ممنوعیت استفاده از بدیل حبس: ۲۰

گفتار سوم: موارد سقوط حکم بدیل حبس: ۲۱

نتیجه گیری فصل اول: ۲۳

فصل دوم

بدیل حبس در قوانین جزایی نافذ افغانستان

مبحث اول: دوره مراقبت: ۲۶

گفتار اول: تعریف دوره مراقبت: ۲۶

گفتار دوم: موارد دوره مراقبت: ۲۷

مبحث دوم: انجام خدمات عامه: ۳۷

گفتار اول: مفهوم خدمات عامه: ۳۷

گفتار دوم: انواع خدمات عامه: ۳۹

گفتار سوم: مراجع استحصال خدمات عامه: ۴۰

گفتار چهارم- مزایا و هدف: ۴۱

گفتار پنجم- شرایط خدمات عام المنفعه ۴۲

مبحث سوم- محرومیت از حقوق اجتماعی ۴۵

مبحث چهارم- حبس در منزل ۴۹

گفتار اول: مفهوم بدیل حبس و شرایط آن: ۵۰

گفتار دوم- مزایا و عیوب حبس در منزل: ۵۲

نتیجه گیری فصل دوم: ۵۶

نتیجه گیری عمومی: ۵۸

مآخذ: ۵۹

مقدمه

در تحولات تاریخی حقوق جزا نسبت به زمانها و مکانهای مختلف عکس العمل اجتماع در مقابل جرایم و مجرمین متفاوت بوده است. در قدیم این عکس العمل بطور بسیار خشن، وحشیانه و ظالمانه از قبیل بریدن اعضای بدن، سوختاندن، داغ کردن و امثال آن در قوانین وضعی بالای مجرمین تطبیق میگردید. اما به مرور زمان و با انتقادات اصلاح طلبانی چون منتسکو، ولتر، سزاربکاریا، سروان، دوپاتی، لاکرتل، دوگور، پاستوره، تارژه، برگاس^۱، تعیین و تطبیق مجازات خفیف تر گردید.

در ابتدا یعنی در سده هجدهم باور به این بود که محبس موجب عبرت محبوس و سایر اشخاص که هنوز مرتکب جرم نشده اند می باشد. در سده نهم، باور به این شد که محبس محل ندامت مجرمین است، بالاخره با آغاز انتقادات و اثبات اضرار محبس باور به این شد که محبس محل درمان و اصلاح مجرمین است. ولی متاسفانه محبس یکی از این باورها را برآورده کرده نتوانست، خصوصا در حبس های کوتاه مدت.

به همین ملحوظ کشورها در صدد آن شدند تا بدیلی برای جزای حبس دریابند که بتواند یک عکس العمل مؤثر باشد و اهداف مجازات را به وجه بهتر آن برآورده سازد. بدیلهای حبس یکی از بهترین شیوه های عکس العمل اجتماعی برای برآورده ساختن اهداف مجازات می باشد. بدیل حبس اگر از یک سو از اثرات سوء محبس جلوگیری میکند از سوی دیگر بهترین عکس العمل برای اصلاح و تربیه مجدد مجرم، بیرون از محبس میباشد.

در کشورهای مختلف از بدیلهای متعددی به حیث بدیل حبس استفاده صورت می گیرد، از قبیل تعلیق تنفیذ حبس، آزادی مشروط، خدمات عام المنفعه، حبس در منزل، مراکز آموزشی-اصلاحی، جزای نقدی ثابت و روزانه، نظارت الکترونیکی، توییح، مصادره، تعلیم، آموزش حرفه و حتی در بعضی از موارد قبل

^۱ - میشل، فوکو، مراقبت و تنبیه تولد زندان، مترجمان-نیکو سرخوش وافشین جهاننیده، نشر نی، چاپ نهم سال ۱۳۹۰، ص- ۹۵

از محاکمه و برای جلوگیری از محکومیت به حبس میانجیگری و تعویق محاکمه را تحت عنوان بدیل‌های حبس قانون‌گذاری نموده اند.^۱

طبق قوانین افغانستان تعلیق تنفیذ ساده و فشرده حبس، آزادی مشروط، جزای نقدی، حبس قطعه، تعطیل حبس و کسر معاش، تعویق محاکمه در فصول جداگانه، غیر از بدیل حبس تصریح گردیده است. کود جزا تنها دورهٔ مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل را تحت عنوان بدیل‌های حبس پذیرفته و سایر بدیل‌های حبس در این کود قانون‌گذاری نشده است. اینکه بدیل حبس چیست؟ انواع آن کدام است؟ و هرکدام تابع کدام شرایط می‌باشند؟ پرسشهایی است که در این جزوه ضمن دو فصل پیرامونش بحث صورت می‌گیرد.

در فصل اول، کلیات بدیل حبس از قبیل تعریف، تاریخچه، اهداف و شرایط عمومی بیان می‌گردد، سپس در فصل دوم احکام و شرایط بدیل حبس در کود جزای افغانستان بررسی می‌گردد که شامل: دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل می‌باشد.

در این جزوه آموزشی از روش توصیفی تحلیلی استفاده شده و تلاش صورت گرفته است تا جزوه آموزشی حاضر، جنبهٔ کاربردی برای قضات، شارنوالان، و مساعدین حقوقی داشته باشد. از این جهت از تطویل ممل و بحث‌های نظری محض، یا بحث‌هایی که نیاز به طرح آن در برنامه‌های آموزشی نیست، اجتناب صورت گرفته است. اما در برخی از موارد مهم و ضروری بحث‌های تحلیلی نظری بنابر اهمیت خاص، طرح شده است. قضایای فرضی، سوالات مباحثی غرض مناقشه و گفتگوهای گروهی، فعالیت‌های صنفی، تحلیل و تفکر انتقادی از جمله مطالبی است که در لابلای بحث‌ها افزوده شده است تا اشتراک‌کننده‌ها را به تحلیل و ارزیابی وادار سازد و آموزش را اشتراک‌کننده محور سازد. اما لازم نیست تمام این قضایا و سوالات در صنف مورد مناقشه و تحلیل قرار گیرد، بلکه آموزگار با در نظر داشت وقت تخصیص داده شده، برخی از آنها را انتخاب می‌کند.

^۱ - محمدبصیر، حقیر اسحق زوی، بدیل‌های حبس در اسناد تقنینی افغانستان و قواعد بین الملل، پوهنتون کاتب، تیزس ماستری، سال ۱۳۹۳،

فصل اول

مفاهیم و کلیات بدیل حبس

اهداف:

در ختم این جلسه آموزشی، اشتراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

۱. مفهوم بدیل حبس را بیان کنند؛
۲. ضرورت قانون گذاری بدیل حبس را تشخیص دهند؛
۳. اهداف بدیل حبس را بیان کنند؛
۴. انواع مجازات بدیل حبس را شناسایی و در قضایای قابل تطبیق استفاده نمایند؛ و
۵. موانع تصریح و تطبیق بدیل‌های حبس را لست نمایند.

عناوین:

مفاهیم و کلیات بدیل حبس:

- تعریف بدیل حبس؛
- تاریخچه؛
- ضرورت قانون گذاری بدیل حبس؛
- اهداف بدیل حبس؛
- شرایط تعیین بدیل حبس؛ و
- موانع تعیین بدیل حبس.

فصل اول

مفاهیم و کلیات بدیل حبس

بدیل حبس برای اولین بار در حقوق جزای افغانستان تحت عنوان مستقل تنظیم شده است. در این فصل، نخست بدیل حبس تعریف می‌گردد (مبحث اول)، سپس تاریخچه آن بیان می‌گردد (مبحث دوم). و به تعقیب آن اهداف بدیل حبس در (مبحث سوم) و شرایط آن در (مبحث چهارم) بررسی می‌گردد.

مبحث اول: مفهوم بدیل حبس:

بدیل حبس اصطلاحی است مرکب از دو کلمه: بدیل و حبس.

گفتار اول: مفهوم لغوی بدیل حبس:

بدیل کلمه عربی و از باب تفعیل لفظ بدل است. بدل به معنای، تبدیل چیزی به جای چیزی دیگری استعمال می‌شود^۱. بدل همچنان به معنای عوض، خلف، جانشین هر چیزی که بجای دیگری واقع شود به کار می‌رود. در زبان فارسی بدل و بدلی به معنای ساختگی و تقلبی نیز استفاده می‌شود^۲. حبس در لغت مترادف زندانی ساختن استعمال می‌شود. و زندان را جای نگهداری محکومان دانسته اند، که به نام‌های بندی خانه، قید خانه و محبس نیز یاد می‌شود^۳. بناء حبس در لغت به معنای بند کردن و بازداشتن و سلب آزادی به کار می‌رود.

در اصطلاح حقوق جزا، حبس عبارت است از سلب آزادی اشخاص به اساس حکم محکمه ذیصلاح در اماکن خاصی که از سوی دولت به این منظور مشخص گردیده است. کود جزای افغانستان حبس را چنین

^۱ - جمال الدین محمد، ابن منظور، لسان العرب، جلد یازدهم، بیروت، دارالصادر، سال ۲۰۰۴ میلادی ص-۴۸.

^۲ - حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، انتشارات امیر کبیر، چاپ سی و یکم، دو جلدی، سال ۱۳۹۱، جلد اول ص-۳۲۷.

^۳ - www.alifathilawyer.persianblog.it

تعریف نموده است. «حبس عبارت از زندانی ساختن محکوم علیه به حکم قطعی محکمه در یکی از محابس که از طرف دولت به این منظور اختصاص یافته است.»^۱

گفتار دوم: مفهوم اصطلاحی بدیل حبس:

بدیل حبس عبارت از هر نوع مجازات قانونی به عوض حبس و یا رهایی مقید از محبس است که به اساس حکم محکمه و یا مقامات ذیصلاح قانونی بالای مجرم قابل تطبیق می باشد.^۲ یا به عبارت دیگر؛ مجازاتی است که محکمه به عوض حبس حین صدور حکم برای اصلاح مجرم صادر می نماید.^۳

بدیل حبس در ماده ۱۴۸ کود جزا چنین تعریف شده است: «بدیل حبس جزایی است که بالای مرتکب جرم به عوض حبس، به شکل رهایی مقید از طرف محکمه حکم می شود.» همچنان بدیل حبس در بند ۱ ماده دوم ضمیمه شماره دوم قانون اجراءات جزایی، به عین عبارت فوق الذکر، تعریف شده است.

قیود تعریف بدیل حبس مندرج ماده ۱۴۸ کود جزا:

۱. بدیل حبس، جزایی است به عوض جزای حبس؛ یعنی غالباً مرتکب نخست مستوجب جزای حبس شناخته می شود، سپس به بدیل حبس محکوم می شود. بناء، تا زمانی که جزای حبس مطرح نباشد، جزای بدیل حبس مطرح نمی شود. البته در موارد بسیار محدود، بدیل حبس به حیث جزا برای برخی از رفتارهای جرمی پیش بینی شده است، که در پایان شرح تعریف به آن اشاره خواهد شد. همچنان از این قید چنین برداشت می شود که بدیل حبس بالای شخص حکمی قابل تطبیق نیست، چون موصوف به حبس محکوم نمی شود.

۲. بدیل حبس، رهایی مقید است، وآنهم رهایی مقید از محبس. بدیل حبس رهایی مطلق نیست. چون در بند ۵ ماده دوم ضمیمه شماره دوم قانون اجراءات جزایی، حبس در منزل به محدودیت آزادی تعریف شده است: «حبس در منزل محدود کردن آزادی محکوم علیه در محل اقامت وی می باشد.»

۱ - کود جزای سال ۱۳۹۶، ماده ۱۴۵

۲ - محمد بصیر، حقیار، پیشین، ص، ۱۳

۳ - همان، ص ۱۴

۳. بدیل حبس، به حکم محکمه اعمال می‌شود؛ یعنی بدیل حبس بدون حکم محکمه تطبیق شده نمی‌تواند. به اساس این قید گفته می‌توانیم که منظوری وزیر عدلیه که به اساس ماده ۳۲۵ قانون اجراء جزائی ۱۳۹۳ برای بدیل حبس کافی شناخته شده بود. ملغی می‌باشد^۱.

۴. بدیل حبس بالای مرتکب جرم تطبیق می‌شود؛ از این قید تفاوت بدیل حبس با تدابیر تأمینی آشکار می‌شود، چون بدیل حبس فقط بالای مجرم تطبیق می‌شود نه بالای متهم و سائر اشخاص. محکمه در قدم اول، جزای اصلی حبس را سنجش می‌نماید، سپس به اساس آن، میعاد و نوعیت بدیل حبس را مشخص و به آن حکم می‌نماید.

ماده ۱۵۱ کود جزا صراحت دارد که: «محکمه می‌تواند مرتکب جرمی را که حد اکثر جزای معین قانونی آنها الی پنج سال حبس باشد، مطابق احکام این قانون به جزای بدیل حبس محکوم نماید.» از این ماده فهمیده می‌شود که جزای بدیل حبس، برای هر جرم پیش بینی نمی‌شود، بلکه برای جرایمی پیش بینی شده می‌تواند که جزای آن در قانون حبس الی پنج سال پیش بینی شده باشد. این یک اصل عام است. اما استثناء، دربخش خاص کود جزاء، جزای بدیل حبس مستقیماً به حیث جزا برای برخی از جرایم پیش بینی شده است. نمونه آن، ماده ۳۳۱ کود جزاء است که چنین تصریح می‌کند: «شخصی که مرتکب یکی از اعمال ذیل شود، به جزای نقدی سی هزار افغانی یا به بدیل حبس محکوم می‌گردد...» در اینجا بدیل حبس، مستقیماً منحصراً جزای اصلی برای جرم، پیشبینی شده است. و جزای اصلی در ماده ۱۳۷ کود جزاء نیز همینطور تعریف شده است: «مجازات‌های است که در این قانون برای ارتکاب جرم پیش بینی شده و برای تکمیل یا تبعیت از جزایهای دیگری تعیین نشده باشد».

نمونه های دیگر آنرا در بند ۱ فقره (۱) ماده ۳۰۶، و مواد ۳۸۸، ۴۰۰، ۴۶۳ و ۴۶۸ کود جزا دیده می‌توانید.

^۱ - قابل ذکر است که احکام بدیل حبس در قانون اجراء جزائی به اساس ماده ۶۷ ضمیمه شماره ۲ قانون اجراء جزائی منتشره در جریده رسمی شماره ۱۲۸۶ مؤرخ ۱۳۹۶/۱۲/۱۵ لغو می‌باشد.

- هر جرمی که جزای آن تا پنج سال حبس باشد، به استثنای جرایمی که در آن بدیل حبس قابلیت تطبیق را ندارد، محکمه می تواند عوض حبس به بدیل حبس حکم نماید. در اینجا محکمه به استفاده و عدم استفاده از بدیل حبس مختار می باشد. چون قانون از لفظ "محکمه می تواند" استفاده نموده است. (م ۱۵۱ کود جزا).

- بدیل حبس با وجود این که با تدابیر تأمینی مشابهت دارد ولی تدابیر تأمینی نیست. چرا که از یک سو ارتباط مستقیم آن با ارتکاب عمل مجرمانه می باشد و از سوی دیگر بدیل حبس از جمله بدیل مجازات است در حالیکه تدابیر تأمینی با در نظر داشت حالت خطرناک مجرم پیش بینی می شود.^۱

- موضوع حبز اطفال، بدیل حبس پنداشته نمی شود. چون بدیل حبس یکنوع مجازات است.^۲

- تدابیری از قبیل الغای جرایم و جلوگیری تدویر محاکمه (تعویق محاکمه، میانجیگری)، بدیل حبس شمرده نمی شود. چون بدیل حبس بدون حکم محکمه، اعمال نمی گردد.

مبحث دوم: تاریخچه بدیل حبس:

در کشورهای مختلف جهان ثابت شده است که جزای حبس به ویژه در جرایمی که جزای آن خفیف است، کارایی چندانی ندارد. تأثیرات سوء محبس از یک سو و افزایش هزینه آن از سوی دیگر، توجه دانشمندان و کشورها را به سوی بدیل های حبس معطوف نمود.

نخستین کنفرانس مهمی که در مورد بدیل حبس صورت گرفت، همان کنفرانس بین المللی محابس بود که در سال ۱۸۷۲ میلادی در شهر لندن کشور انگلستان دایر گردید. محور اساسی بحث در این کنفرانس مشکلات ناشی از محابس و کاهش مجازات سلب آزادی بود. یک عالم نارویجی بنام ادیناس در سال ۱۹۵۲ میلادی اثری را تحت عنوان (زجر دادن حقیقت است یا خیال؟) تحریر نمود که اولین اثری در مورد بدیل حبس شمرده می شود. از این به بعد دانشمندانی چون کینبرج O.Kinberg سویدنی در سال

^۱ - حسین آقایی، جنت مکان، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات جنگل، سال ۱۳۹۱، ص-۲۵۳.

^۲ - علی حسین، نجفی ابرندآبادی، حقوق جزای عمومی ۲، اقدامات و کیفرهای جایگزین زندان، تقریرات درسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهیشتی، تهیه شده توسط رایجان مهرداد، سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹، ص-۳۹۱.

۱۹۵۳ میلادی، والدو GP waldo امریکایی در سال ۱۹۷۰ میلادی و عزت عبدالفتاح E Ab Fattah کندی در سال ۱۹۸۳ میلادی برای تطبیق واقعی بدیل حبس پیش رفت های چشمگیری داشتند. این دانشمندان زحمات زیادی پیرامون وضع و تفسیر قوانین و تدویر مجالس علمی راجع به بدیل حبس، مبذول داشتند. در حالی که فعالیتها در این مورد جریان داشت، قوانینی در مورد بدیل حبس در اروپا نافذ گردید. و کشورهایی که از بدیل حبس استفاده می کردند، معاهداتی جهت تشریک تجارب، به امضا رساندند.

همچنان فعالیتهای دیگر به منظور بهبود وضعیت محابس و کاهش تطبیق جزای حبس، انجام شد که از جمله می توان به تدویر چند کنفرانس اشاره کرد:

کنفرانسی در سال ۱۹۶۰ میلادی در شهر لندن کشور انگلستان دایر گردید و در آن روی مشکلات موجود در محابس بحث های همه جانبه صورت گرفت. در این کنفرانس تصمیم گرفته شد که، قضات باید حتی الامکان از جزاهای سلب آزادی اجتناب نمایند و به عوض آن از تعلیق تنفید، آزمایش قضایی و یا سایر جزاهای مالی استفاده نمایند. و در صورت عدم امکان، محبوسین قصیرالمدت باید از محبوسین طویل المدت، جدا نگهداری شوند.

در سال ۱۹۸۰ کنفرانس دیگری در کاراکاس وینزویلا دایر گردید. در این کنفرانس یکبار دیگر در مورد مشکلات محابس و جزاهای بدیل حبس به کشورها توصیه شد.

در سال ۱۹۸۵ در شهر میلانو کشور ایتالیا کنفرانسی در این مورد دایر گردید. در این کنفرانس راجع به ازدیاد سرسام آور محبوسین و تأثیرات سوء محبس بالای محبوسین و اعضای فامیل آنها، به کشورهای عضو کنفرانس توصیه شد تا در مورد بدیل های حبس تحقیقات همه جانبه انجام بدهند. همچنان از هیئت های ملل متحد دعوت به عمل آمد تا به عوض جزاهای سلب آزادی راجع به بدیل های حبس تدابیر لازم اتخاذ گردد. در اخیر این کنفرانس یک مصوبه ۴۸ ماده یی نیز تصویب گردید که در ۳۰ ماده آن به کشورها توصیه شده بود تا در سیاستهای جنایی خویش زیر سایه عدالت جنایی بدیل های حبس را جای بدهند.

همچنان در کنفرانس سال ۱۹۹۰ در شهر هافانای کشور کیوبا راجع به بدیل های حبس تأکید و توصیه صورت گرفت.

بالاخره مجمع عمومی سازمان ملل متحد، در شصت و هشتمین جلسه عمومی، در ۱۴ دسامبر سال ۱۹۹۰ میلادی بنا بر پیشنهاد کمیته پیشگیری و کنترل جرایم این سازمان «حد اقل استاندارد قواعد سازمان ملل متحد در رابطه با اقدامات غیر سالب آزادی» مشهور به قواعد توکیو را به تصویب رساند، در ماده هشت این قواعد به دولتها توصیه شده است که با در نظر داشت وضعیت و اهلیت مجرم، مصالح مجنی علیه و جامعه تعدادی از بدیل های سالب آزادی را به حیث بدیل جزای حبس تطبیق نمایند^۱. بدیل های پیشنهادی حبس در بند دوم ماده ۸ قواعد توکیو عبارت اند از: مجازات شفاهی (نصیحت، توبیخ، اخطار)، آزادی مشروط، مجازات اقتصادی و جزا های پولی مانند جزای های نقدی روزانه و ثابت، مصادره با سلب مالکیت، دستور اعاده مال به متضرر یا جبران خسارت، تعلیق یا تعویق حکم، نظارت آزمایشی و قضایی، دستور خدمت به جامعه، ارجاع به مراکز مراقبت، تحت نظارت در منزل، هرگونه روش رفتاری غیر از زندان، ترکیبی از تدابیر فوق الذکر^۲.

در افغانستان در قوانین جزایی برخی از بدیل های حبس پیش بینی گردیده بود، منتهی نه تحت عنوان بدیل حبس، مانند تعلیق تنفیذ، آزادی مشروط، حبس قطعه، حبس معطل، حبس تعطیل و کسر معاش. قانون اجراءات جزایی ۱۳۹۳ صراحتاً از بدیل های حبس صحبت نمود و برخی از آنها را پیش بینی کرد مانند کار در ماده ۳۲۹، و خدمات عامه در مواد ۳۲۵ الی ۳۲۸.

در کود جزای نافذه ۲۵ دلو ۱۳۹۶ از جمله بدیل های حبس مروج در سایر کشورها صرف دوره مراقبت، خدمات عام المنفعه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل، تحت عنوان بدیل حبس تصریح شده است. مواردی که در فصل دوم این جزوه آموزشی به تفصیل بررسی می گردد.

^۱ - همان، ص ۲۵

^۲ - مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، حد اقل استاندارد قواعد سازمان ملل متحد در رابطه با اقدامات غیر سالب آزادی، قطعنامه شماره

۴۵/۱۱ مورخ ۱۴ دسمبر سال ۱۹۹۰

فعالیت شماره (۱)

سوال مباحثی:

چرا دولت ها به این وادار شدند که بدیل های حبس را در قوانین جزایی خود شامل سازند؟
اشتراک کنندگان میان خود مباحثه کنند.
هدف از این کارگروپی، برجسته ساختن اهمیت جزاهای بدیل حبس است تا متخصصین امور عدلی و قضایی در عمل از آن استفاده نمایند.

مبحث سوم: اهداف بدیل حبس:

عوامل بسیاری هستند که مؤثر بودن مجازات حبس را با تردید رو به رو می کند و دولت ها را وادار کرده تا راه های بیرون رفت از مشکلات جزای حبس را در بدیل های حبس جستجو نمایند. به چند عاملی که جزای حبس را به تردید روبرو ساخته مختصراً اشاره می کنیم.

۱. عدم رسیدن به هدف تنبیهی و تکرار جرایم^۱:

طرفداران محبس به این باور اند که مجازات حبس، مجرمین و سایر اشخاص را تنبیه کرده سبب پیشگیری از جرایم می شود. ولی تحقیقاتی که در این مورد در سالهای ۱۹۸۷ الی ۱۹۹۰ میلادی صورت گرفته است، عکس آنرا نشان می دهد. مثلاً در اسپانیا ۴۵ درصد محبوسین، به دلیل ارتکاب جرم جدید، در این مدت دوباره به محبس برگشته اند. در امریکا میزان آن به ۶۰ درصد می رسد. به همین اساس مخالفان جزای حبس میگویند که محبس برعلاوه اینکه از جرایم پیشگیری کرده نمی تواند، به اساس تحمیل شرایط ناگوار آن، سبب می شود که اثر اربعابی خود را از دست داده مجرم دوباره مرتکب جرم گردد^۲. البته در بند ۶ ماده اول ضمیمه شماره دوم قانون اجراءات جزایی، یکی از اهداف بدیل های حبس و حجز را،

۱- علی حسین، نجفی، ابرندآبادی، حقوق جزای عمومی ۲، اقدامات و کیفرهای جایگزین زندان، تقریرات درسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهیه شده توسط رایجان مهرداد، سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹، ص-۳۸۲.

۲- محمدبصیر، حقیار اسحق زوی، پیشین، ص، ۲.

فراهم نمودن زمینه بهتر اصلاح، تربیت و بازگشت محکومین به خانواده، جامعه و زندگی مسالمت آمیز، تصریح نموده است.^۱

۲. تأثیرات سوء روانی محبوس:

محبس هویت محبوس را از بین می برد خاصاً در حبس های طویل المدت. و موجب اختیار نمودن حرکات غیر عادی و تهاجمی وی شده، که در چنین حالت، محبوسین خود به خود باعث ایجاد تشنج در محبس میشوند. حتی بعد از رهایی تحت تأثیرات سوء محبس قرار گرفته و در زندگی عادی شان به مشکل مواجه میشوند.^۲ برای جلوگیری از تأثیرات سوء محبس و حجز بر محکومین و خانواده های آنها و جامعه، بند ۵ ماده اول ضمیمه شماره دوم قانون اجراءات جزایی نیز اشاره نموده است.

۳. تناقض با اصل شخصی بودن مجازات:

محبس علاوه بر اینکه بالای محکوم فشار وارد میکند و فامیل او را از سرپرستی و پیشتیبانی مالی وی محروم میکند، حتی در اکثریت موارد بار مالی دوران حبس نیز بالای فامیل وی تحمیل میشود.^۳

۴. بار اقتصادی محبس:

ساخت و نگهداری محابس ایجاب مصارف گزاف را می نماید و دولت مجبور است که آن را اعمار نموده محبوسین را نگهداری کند. که در نتیجه، این مصارف بالای مالیه دهندگان تحمیل می شود. از سوی دیگر محبوس نیز در محبس از فعالیت های اقتصادی باز می ماند.^۴

در ایالات متحده امریکا در سال های ۱۹۹۳ میلادی، ازدیاد مصارف محابس پنجاه فیصد بیشتر از وزارت عدلیه آن کشور نشان داده شده است که این تفاوت بین ۲۱ و ۳۲ میلیارد دالر است. در انگلستان در سال

^۱ - ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی پیرامون تطبیق بدیل های حبس و حجز. فرمان تقنینی شماره ۲۶۷ مورخ، ۱۳/۱۲/۱۳۹۶ هـ. ش.

^۲ - محمد، آشوری، جایگزین های مجازات زندان یا مجازات بینابین، طرح برای دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد، نشرگرایش، چاپ دوم

تهران، سال ۱۳۸۲، ص-۴۰

^۳ - محمدبصیر، حقیار اسحق زوی، همان

^۴ - همان

۱۹۹۴ میلادی مصارف اداری ۱۳۰ مؤسسه جزایی، یک ونیم میلیارد پوند محاسبه شده است. که ارقام مذکور، بالارفتن بسیار سریع مصارف محابس را در این کشورها نشان می دهد^۱.

در سالهای ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ میلادی تحقیقاتی که از طرف پروژه دفتر ملل متحد برای مواد مخدر و جرایم در افغانستان انجام شده است، نشان می دهد که وزارت عدلیه بالای هر محبوس سالانه ۷۰۸ دالر امریکایی مصرف می نماید. که روزانه به ۱,۹۳ دالر محاسبه شده می تواند. از سوی دیگر اگر به طور اوسط عاید روزانه محبوس را ۱,۵ دالر امریکایی قبول کنیم، سالانه ۵۴۷,۵ دالر می شود که جمع مصارف دولتی سالانه ۱۲۵۵,۵ دالر می شود و این یک رقم بسیار بلند برای کشوری مانند افغانستان است^۲. در این صورت اگر تعداد مجموعی محبوسین (۳۰۰۰۰) نفر محاسبه شود، صرف مصارف اعاشه و اباته آنها روزانه ۵۷۹۰۰ دالر امریکایی خواهد شد. این مبلغ سالانه به ۲۱۱۳۳۵۰۰ دالر امریکایی میرسد. البته قابل یاد آوری است که این مبلغ صرف مصارف اعاشه و اباته فی نفر محبوس، بدون مصارف تعمیر، برق، آب، مصارف روغنیات و معاش پرسونلی که برای حفاظت از محابس مقرر هستند، یا عوایدی که ممکن هر محبوس در بیرون از محبس میداشت و فعلاً به اساس تعمیل جزای حبس از آن محروم است محاسبه شود، این رقم سه یا چهار چند بالا خواهد رفت. البته در ضمیمه شماره دوم قانون اجراءات جزایی در بند ۴ ماده اول، یکی از اهداف جزاهای بدیل حبس، کاهش مصارف محابس و مراکز اصلاح و تربیه اطفال عنوان شده است^۳.

۵. زوال حس مسؤولیت:

محکومیت شخص به حبس و جدا سازی او از جامعه، آهسته آهسته حس مسؤولیت پذیری محکوم را از بین برده وقتی دوباره وارد جامعه می شود نسبت به جامعه احساس مسؤولیت پذیری کمتر می کند و تعدادی اصلاً احساس مسؤولیت نمی کنند^۴.

^۱ - محمد، آشوری، پیشین، ص-۴۱.

^۲ - محمد بصیر، حقیار اسحق زوی، پیشین، ص ۵-۶.

^۳ - ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، پیشین

^۴ - محمد، آشوری، پیشین، ص-۴۲.

۶. پایین آمدن سطح صحتی و اخلاقی:

در اکثر کشورها امراض ایدز، تبرکلوز و سایر امراض از یک سو و ترویج و استعمال مواد مخدر از سوی دیگر از جملهٔ اضرار محبس قبول و ثبت شده است.

تحقیقی که در سال ۲۰۰۸ میلادی در افغانستان انجام شده نشان می دهد که به اساس اسناد رسمی ریاست محبوسین در پلچرخی ۴۵۰ نفر معتاد موجود می باشد. در حالی که محققین تحقیق مذکور می گویند، که تعداد معتادین بیشتر از ارقام ارائه شده از طرف ریاست محبوسین است. و اضافه می کنند که در بلاک دوم محبس پلچرخی که ظرفیت ۱۱۰۰ محبوس را دارد، ممکن است تعداد معتادین به ۸۰۰ نفر برسد. همچنان به اساس همین تحقیق، تحریر میدارند که مواد مخدر در ابتدا برای محبوسین، طور رایگان توزیع می شود، سپس به اساس تقاضای آنها، یک گرام هیروئین به مبلغ ۲۰۰۰ افغانی به فروش می رسد. همچنان نسبت موجودیت فساد در محابس افغانستان و نبود امکانات کافی نظارتی و صحتی، سایر امراض ساری نیز بیش از آن است که رسماً گزارش داده می شود.^۱

به اساس تحقیقات میدانی یکی از پژوهشگران افغان در سال های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ ه.ش، در محبس پلچرخی بیست در صد محبوسین از پایین ترین خدمات صحتی برخوردار می باشند. در این محبس از میان هشت هزار نفر محبوس، ۲۰ نفر آنها معتادین مواد مخدر، ۲۷ نفر آنها مریضان روانی، ۵ نفر آنها مریضان ایدز و ۵۷ نفر شان مریضان توبرکلوز بودند که تحت مداوی قرار داشتند.^۲

۷. افزایش مفکوره مجرمانه نزد محکومین غیر خطرناک:

استفاده بیش از حد جزای حبس برای مجرمینی که خطرناک نیستند، برخورد غیر معیاری مسئولین محابس از یک سو، و برخورد با مجرمین خطرناک از سوی دیگر، باعث می شود که محکومین غیر خطرناک برای نشان دادن عکس العمل مساوی و دفاع از خود به اشخاص خطرناک تبدیل شوند. دوام این حالت بعد

^۱ - پروژه دفترملل متحد برای مواد مخدر و جرایم، تطبیق بدیل حبس درمطابقت با معیارات بین المللی و قوانین ملی، می ۲۰۰۸، ص- ۶۹ و ۶۴.

^۲ - محمدبصیر، حقیاراسحق زوی، پیشین، ص ۴.

از خارج شدن از محبس نیز نرد محبوس باقی مانده و به حیث یک شخص خطرناک و خشن، به زندگی روزمره خود ادامه می دهد^۱.

۸. تورم جمعیت در محبس:

محابس در اکثر کشورها جوابگوی محبوسین نبوده و افزایش روز افزون محبوسین سبب تورم جمعیت آنان در محابس می شود. تورم جمعیت در محبس از یک سو زمینه ساز جرایم اخلاقی و شیوع امراض ساری می شود، و از سوی دیگر موجب نقض شرایط و اصولی می شود که در کنوانسیون های حقوق بشری برای محبوسین پیش بینی شده است^۲. در بند سوم ماده اول ضمیمه شماره دوم قانون اجراءات جزایی، در مورد اهداف تطبیق بدیل های حبس و حجز، چنین اشاره شده است: (۳- جلوگیری از ازدحام محبوسین و محجوزین در محابس و مراکز اصلاح و تربیت اطفال^۳).

برای حل این معضله به سطح کشورهای جهان از جمله افغانستان، اقداماتی صورت گرفته است که یک نوع آن قانون گذاری بدیل های حبس می باشد. در این درس ان شاء الله سعی می شود تا با در نظر داشت معیارهای بین المللی و تجارب سایر کشورها، بدیل های حبس مندرج در کود جزا را توضیح و تحلیل کنیم. بنابراین، اهداف بدیل حبس را می توان قرار زیر برشمرد:

- ۱- تقویت و افزایش حس توافق با جامعه و اصلاح مجرم (باز-یکپارچگی)؛
- ۲- جلوگیری از هدر رفتن نیروی فزیکمی محکوم علیه و قرار دادن آن در خدمت توسعه اقتصادی و اجتماعی؛
- ۳- کاهش جمعیت محابس؛
- ۴- کاهش هزینه های محابس؛

۱- همان.

۲- همان.

۳- ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، پیشین

- ۵- ترویج استفاده از اقدامات غیر سالب آزادی و تشریح آن- حد اقل تضمینهای که برای افراد در معرض بدیل وجود دارد؛
- ۶- افزایش و پذیرش مداخله جامعه در مدیریت و هدایت عدالت جزایی خصوصا در مورد اصلاح مجرمان؛
- ۷- جلوگیری از ایجاد پیشینه منفی در سوابق اجتماعی فرد، که منجر به منع او از بازگشت عادی در اجتماع می گردد؛
- ۸- جلوگیری از صدمات روحی برای محبوس در پی جداسازی وی از خانواده، خویشاوندان و جامعه؛
- ۹- جلوگیری از تحمیل تأثیرات منفی و زیان بار بر خانواده و فرزندان محکوم علیه و تخریب شخصیت و منزلت اجتماعی آنان؛
- ۱۰- جلوگیری از محیط غیر صحی که معمولا سبب شیوع و گسترش امراض ساری و کشنده می گردد مانند ایدز، زردی سیاه (هیپاتیتس)، توبرکلوز و سایر امراض دیگر؛
- ۱۱- عدم احساس مجرمیت، مجرم (به حیث شخص عادی در جامعه)؛
- ۱۲- عدم برخورد مجرمانه با محکوم علیه از طرف جامعه (جلوگیری از برچسپ مجرمانه)؛
- ۱۳- پیشگیری و کاهش افکار مجرمانه محکوم علیه (کاهش تکرار جرم)؛ و
- ۱۴- فردی کردن مجازات.

فعالیت شماره (۲)

سوالات مباحثوی:

به نظر شما بدیل حبس در کدام مرحله (قبل از محاکمه، در جریان محاکمه یا بعد از محاکمه) تعیین می شود؟

۱. موانع تعیین بدیل حبس را نام بگیرید؟
لطفا جوابهای تانرا به استناد قوانین ارائه کنید.

مبحث چهارم: شرایط تعیین بدیل حبس، موانع و سقوط حکم آن:

در گفتار اول، شرایط تعیین بدیل حبس، و در گفتار دوم، موانع تعیین بدیل حبس، و در گفتار سوم، سقوط حکم آن بررسی می گردد.

گفتار اول: شرایط تعیین بدیل حبس:

نخست شرایط ماهوی، سپس شرایط شکلی تعیین بدیل حبس را مورد بحث قرار می دهیم:

فرع اول: شرایط ماهوی تعیین بدیل حبس:

بدیل حبس با در نظر داشت موارد آتی تعیین می شود:^۱

۱. نوعیت و خصوصیت جرم مرتکبه؛

۲. شخصیت مرتکب؛

۳. دفعات ارتکاب جرم؛

۴. وضعیت مجنی علیه؛

۵. نتایج ناشی از ارتکاب جرم؛ و

۶. سایر جهات مخففه جرم.

موارد فوق را در زیر توضیح می دهیم:

۱. نوعیت و خصوصیت جرم مرتکبه: مانند اینکه:

أ. نوعیت جرم مرتکبه: در تعیین جزای بدیل حبس، نوعیت جرم در نظر گرفته می شود.

مثلاً: تعیین جزای بدیل حبس در جرایمی از نوع جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی،

تروریستی، تمویل تروریسم، تجاوز جنسی، فساد اداری و جرایم جنگی، ضد بشری،

کشتار جمعی، جواز ندارد.^۲ در برخی از کشورها در جرایم غیر عمدی مستوجب

مجازات الی سه سال، تعیین بدیل حبس حتمی است.

^۱ - کود جزای افغانستان، سال ۱۳۹۶، ماده ۱۴۹.

^۲ - همان، فقره (۳) ماده ۱۵۱. لست مفصل این جرایم، تحت گفتار دوم این مبحث ذکر گردیده است.

- ب. خصوصیت جرم مرتکبه: در تعیین جزای بدیل حبس، خصوصیت جرم مرتکبه در نظر گرفته می‌شود. مثلاً جزای معینه جرم مرتکبه از پنج سال بیشتر نباشد.^۱
۲. شخصیت مرتکب جرم: سن مجنی علیه، جنس، توانایی جسمی یا روانی، شغل، مهارت و وضع اقتصادی و اجتماعی وی، از مواردی است که در تعیین جزای بدیل حبس، در نظر گرفته می‌شود. همچنان پیشیمان بودن یا نبودن مجرم از ارتکاب جرم، عمدی یا سهوی بودن ارتکاب، نیز از مواردی است که در تعیین جزای بدیل حبس، در نظر گرفته خواهد شد.
۳. دفعات ارتکاب جرم: مواردی چون متکرر بودن مجرم، یا اینکه او برای اولین بار مرتکب جرم شده است، از مواردی است که در تعیین جزای بدیل حبس، در نظر گرفته می‌شود. در برخی کشورها، سپری شدن زمان معینی بر ارتکاب جرم اولی، یا اعاده حیثیت، برای تعیین جزای بدیل حبس، قید گذاشته می‌شود.
۴. وضعیت مجنی علیه: نیاز مجنی علیه به مساعدت جانی جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم، در تعیین جزای بدیل حبس، در نظر گرفته می‌شود.
۵. نتایج ناشی از ارتکاب جرم: اگر ارتکاب جرم، نزد مجنی علیه، عقده آفریده باشد و خواهان انتقام از جانی باشد، در این صورت محکمه احتمالاً جزای بدیل حبس را ترجیح نخواهد داد بلکه محبوس بودن جانی را در زندان به نفع همه تلقی خواهد نمود.
۶. سایر جهات مخففه جرم: مثلاً: مرتکب جرمی که از تخفیف جزاء مستفید گردیده، محکمه او را از بدیل حبس مستفید نخواهد ساخت.^۲
- علاوه بر موارد فوق، بدیل حبس تحت شرایط ذیل تعیین شده می‌تواند:

^۱ - همان، فقرة (۱) ماده ۱۵۱

^۲ - همان، ماده ۱۵۳

الف - اصل جزای جرم مرتکبه باید جزای حبس الی پنج سال باشد. یعنی در صورتی که به اساس سایر حالات مخففه جزای جرم مرتکبه الی پنج سال تخفیف یافته باشد، محکمه نمی تواند حکم خویش را مبنی بر بدیل حبس صادر نماید^۱.

ب - مرتکب جرم باید خساره وارده از ارتکاب جرم را پرداخته باشد.

ج - رضایت متضرر را حاصل نموده باشد.

د - مرتکب جرم، رعایت شرایط مندرج حکم محکمه و انجام صادقانه قواعد مربوط به بدیل حبس را تعهد نموده باشد.

ه - مرتکب جرم از حسن اخلاق و عدم ارتکاب جرم در آینده تعهد نموده باشد^۲.

محکمه با موجودیت شرایط مندرج قانون، حکم خویش را مبنی بر بدیل حبس صادر می نماید. از نام بدیل حبس پیداست که محکمه در قدم اول به حبس حکم می نماید، سپس به عوض حبس، به یکی از بدیل های حبس مندرج کود جزا، حکم می کند.

فرع دوم: شرایط شکلی تعیین بدیل حبس:

علاوه بر شرایط ماهوی تعیین بدیل حبس - که در گفتار اول بیان شد -، شرایط شکلی آن نیز قابل رعایت می باشد.

رعایت موارد زیر در حکم محکمه، من حیث شرایط شکلی تعیین جزای بدیل حبس، حتمی می باشد:

۱. ذکر دلایل استفاده از بدیل حبس؛
۲. مشخص نمودن مرجع نظارت بر بدیل حبس؛
۳. مکلفیت محکوم علیه به اجرای اوامر مرجع نظارت کننده؛

^۱ - همان، ماده ۱۵۳

^۲ - ضمیمه شماره دوم قانون اجراءات جزایی پیرامون تطبیق بدیل های حبس و حجز. فقره اول، ماده ۴،

۴. ذکر نتایج عدم رعایت شرایط بدیل حبس، و عدم اجرای اوامر مرجع نظارت کننده، و ابلاغ آن به محکوم علیه^۱.

۵. در نظر گرفتن موافقه محکوم علیه، در تعیین نوعیت بدیل حبس؛ و

۶. اخذ رضایت محکوم علیه، در صورتی که جزای بدیل حبس، انجام خدمات عام المنفعه باشد.

در رابطه به موارد (۵ و ۶) ماده هفتم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزائی، در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، چنین تصریح می کند: « (۱) محکمه حین صدور حکم به بدیل حبس موافقه محکوم علیه و در بدیل حجز موافقه محجوز و ممثل قانونی وی را مبنی بر نوع بدیل حبس یا حجز در نظر می گیرد. (۲) محکمه حین اصدار حکم به انجام خدمات عامه، رضایت محکوم علیه را اخذ می نماید.»

فعالیت شماره (۳)

سوال مباحثوی:

فرق میان «موافقه محکوم علیه» و «رضایت محکوم علیه» که در فقره های (۱ و ۲) ماده هفتم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزائی، تصریح شده است، چیست؟ و آیا رعایت این دو مورد بر محکمه لازمست؟

^۱ - کد جزای سال ۱۳۹۶، مواد ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵

گفتار دوم: موارد ممنوعیت استفاده از بدیل حبس:

اصل بر آن است که محکمه می تواند مرتکب جرمی را که حد اکثر جزای معین قانونی آنها الی پنج سال حبس باشد، به جزای بدیل حبس محکوم نماید.^۱ اما در فقره (۳) ماده ۱۵۱ کود جزا، استثناء بر این اصل وضع شده است که بر اساس آن، مرتکبین جرایمی چون جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، جرایم تروریستی، جرایم تمویل تروریسم، جرایم تجاوز جنسی، جرایم فساد اداری و مالی و جرایم نسل کشی و جرایم ضد بشری، جرایم جنگی، جرایم تجاوز علیه دولت، از بدیل حبس مستفید نمی گردند.^۲ همچنین ماده دهم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، عین موارد مندرج فقره (۳) ماده ۱۵۱ کود جزا را ذکر کرده و علاوه بر آنها، مرتکبین جرایم قتل، خشونت علیه زن، قاچاق مواد مخدر، و اختطاف، و مجرمین متکرر را نیز از استفاده از بدیل حبس، محروم ساخته است.

فعالیت شماره (۴)

سوال مباحثوی:

موارد ممنوعیت استفاده از بدیل حبس:

- در فقره (۳) ماده ۱۵۱ کود جزا، ۹ مورد ذکر است. اما
 - در ماده دهم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، ۱۴ مورد ذکر است. این پنج مورد اضافی عبارت اند از: جرایم قتل، خشونت علیه زن، قاچاق مواد مخدر، اختطاف و مجرمین متکرر.
- سوال: در رابطه به موارد ممنوعیت استفاده از بدیل حبس، کدام قانون مدار اعتبار است و چرا؟

نوت: از جمله موارد ممنوعیت استفاده از بدیل حبس، در ماده دهم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، قتل است، که بطور مطلق ذکر شده که قتل عمدی و قتل خطا را شامل می شود. به نظر نویسنده، بهتر آن بود که حکم طوری تعبیر می شد که قتل خطا را در بر نمی گرفت.

^۱ - همان، فقره (۱) ماده ۱۵۱

^۲ - همان، فقره (۳) ماده ۱۵۱

گفتار سوم: موارد سقوط حکم بدیل حبس:

طوری که قبلاً بیان شد، محکمه شرایط تطبیق بدیل حبس، و مرجع نظارت کننده بر محکوم علیه، به بدیل حبس را در حکم خود تصریح می‌کند. مرجع نظارت کننده مکلف است از عدم مراعات شرایط مندرج حکم محکمه به خارنوالی مربوطه گزارش بدهد. در این صورت خارنوالی در مدت ده روز گزارش ارایه شده را بررسی می‌نماید. در صورت تثبیت تخلف، موضوع را به محکمه صادر کننده حکم پیشنهاد می‌کند. محکمه مطابق به احکام قانون در زمینه تصمیم اتخاذ می‌نماید.^۱ این تصمیم نظر به نوع بدیل حبس، متفاوت خواهد بود، که آنرا در زیر توضیح می‌دهیم:

فرع اول: عدم رعایت حکم محکمه توسط محکوم علیه: هرگاه محکوم علیه حکم محکمه را رعایت نه نماید، محکمه می‌تواند برای بار اول تا یک‌ونیم چند، دوره مراقبت وی را تمدید نماید. هرگاه محکوم علیه از اجرای فیصله محکمه برای بار دوم خود داری نماید، محکمه صادر کننده حکم، مراقبت را لغو و مدت باقی مانده دوره مراقبت را به حبس تنفیذی تبدیل می‌نماید.^۲

فعالیت شماره (۵)

سوال مباحثوی:

به نظر شما مدت باقی مانده کدام مدت است؟ مدتی که در حکم ابتدایی تعیین شده است، یا مدتی که به اساس تخلف به یک‌ونیم چند اضافه شده است؟

فرع دوم: تخلف از انجام خدمات عامه: هرگاه محکوم علیه بدون عذر مؤجه، از انجام خدمات عامه یا از شرایط مقرر برای انجام کار تخلف ورزد، بار اول حد اکثر تا (۸۰) ساعت، در ساعت های انجام خدمات عامه وی افزود می‌گردد، در صورت تکرار، محکمه می‌تواند به اساس پیشنهاد خارنوال، مدت

^۱ - ضمیمه شماره دوم قانون اجراء جزایی. ماده ۱۲

^۲ - کود جزای سال ۱۳۹۶، ماده ۱۵۹

خدمات عامه باقیمانده وی را به حبس تبدیل نماید. در این صورت محکوم علیه در برابر هر (۸) ساعت از ساعات باقیمانده، یک شبانه روز زندانی می‌شود.^۱

فرع سوم: عدم رعایت شرایط حبس در منزل: هرگاه محکوم علیه شرایط حبس در منزل را که قبلاً در حکم محکمه تصریح شده است. رعایت نکند، این جزا به حبس در محبس تبدیل می‌گردد.^۲

نوت: تبدیل بدیل حبس به حبس تنفیذی در صورت ارتکاب جرم دیگری:

ماده ۱۵۲ کود جزا: «هرگاه محکوم علیه حین سپری نمودن جزای بدیل حبس به اتهام جرم دیگری محکوم به حبس شود، مدت باقیمانده جزای بدیل حبس، به حبس تنفیذی تبدیل و با مجازات جرم جدید یکجا تطبیق می‌گردد.»

فعالیت شماره (۶)

سوال مباحثی:

راجع به این عبارت ماده ۱۵۲ کود جزا «به اتهام جرم دیگری محکوم به حبس شود» کدام یک از تفسیرهای زیر درست است؟ و چرا؟

الف - به اتهام جرم دیگری محکوم به حبس شود، که آن جرم را قبل از محکومیت به بدیل حبس، مرتکب شده بود، اما در آن زمان کشف نگردیده بود و اکنون کشف گردید.

ب - به اتهام جرم دیگری محکوم به حبس شود، که آن جرم را در جریان سپری نمودن بدیل حبس، مرتکب شده است.

^۱ - متن ماده ۱۶۶ کود جزا: (هرگاه محکوم علیه بدون عذر مؤجبه، از انجام خدمات عامه یا از شرایط مقرر برای انجام کار تخلف ورزد، بار اول حداکثر تا ۸۰ ساعت، در ساعات های انجام خدمات عامه وی افزود می‌گردد، در صورت تکرار، محکمه می‌تواند به اساس پیشنهاد بخارنوال مربوطه، مدت خدمات عامه باقیمانده وی را به حبس تبدیل نماید.

در این صورت محکوم علیه در برابر هر ۸ ساعت از ساعات باقیمانده یک شبانه روز زندانی می‌شود.)

^۲ - کود جزا، فقره (۵) ماده ۱۶۸

نتیجه گیری فصل اول:

از خلال بحث روی موضوعات مطروحه در فصل اول، به نتایج زیر رسیدیم:

۱. بدیل حبس جزایی است که بالای مرتکب جرم به عوض حبس، به شکل رهایی مقید از طرف محکمه حکم می شود.
۲. کود جزای افغانستان برای بدیل حبس، وصف دوگانه داده است؛ گاهی آنرا منحیث جزای اصلی الزامی به کار برده است و گاهی منحیث بدیل جزای اصلی که غیر الزامی است.
۳. بدیل حبس برای اولین بار در سال ۱۸۲۸ در فرانسه مطرح شد، سپس در سایر کشورها گسترش یافت. تا اینکه در ۱۴ دسامبر سال ۱۹۹۰ میلادی در شصت و هشتمین جلسه مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. و در افغانستان در سال ۱۳۹۳ در قانون اجراء جزائی، و در سال ۱۳۹۶ در کود جزا، تنظیم گردید.
۴. از جمله عواملی که توجه قانونگذاران را به بدیل حبس معطوف داشت، عبارت اند از: تأثیرات سوء روانی بر محبوسین، تناقض حبس با شخصی بودن مجازات، بار سنگین مالی محبس بر دولت، زوال حس مسئولیت نزد محبوس، پایین بودن سطح صحی و اخلاقی زندانیان در محبس، و به وجود آمدن مفکوره های مجرمانه دیگر نزد محبوس.
۵. تعیین بدیل حبس دارای شرایط ماهوی و شکلی می باشد که باید رعایت گردد.
۶. اصل بر آن است که محکمه می تواند مرتکب جرمی را که حد اکثر جزای معین قانونی آن الی پنج سال حبس باشد، به جزای بدیل حبس محکوم نماید، اما یک تعداد جرایم از این حکم مستثنی هستند و مرتکبین آنها از بدیل حبس مستفید شده نمی توانند. این جرایم عبارت اند از: جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، تروریستی، تمویل تروریزم، تجاوز جنسی، فساد اداری و مالی، نسل کشی، ضد بشری، جنگی، تجاوز علیه دولت، قتل، خشونت علیه زن، قاچاق مواد مخدر، و اختطاف، و مجرمین متکرر.
۷. هرگاه محکوم به جزای بدیل حبس، از شرایط مندرج حکم محکمه تخلف نماید، جزای بدیل حبس ساقط و مدت باقی مانده، به حبس تنفیذی تبدیل می گردد.

فصل دوم

بدیل حبس در قوانین جزایی نافذۀ افغانستان

اهداف:

در ختم این جلسه آموزشی، اشتراک کنندگان قادر خواهند شد تا:

۱. موارد بدیل حبس را مطابق کود جزای افغانستان و ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزائی تشخیص و توضیح دهند؛
۲. از موارد بدیل حبس هنگام موجودیت شرایط، استفاده نمایند؛ و
۳. بدیل های حبس را مطابق به احکام قانون تطبیق نمایند.

عناوین:

- موارد بدیل حبس در کود جزای افغانستان:
 - دوره مراقبت؛
 - انجام خدمات عامه؛
 - محرومیت از حقوق اجتماعی؛ و
 - حبس در منزل.

فصل دوم

بدیل حبس در قوانین جزایی نافذۀ افغانستان

بدیل حبس نخست در قانون اجراءات جزایی منتشرۀ جریده رسمی ۱۱۳۲ مؤرخ ۱۵ ثور ۱۳۹۳، در فصل ششم باب چهارم، طی مواد (۳۲۵ تا ۳۲۹) تنظیم گردیده بود. سپس کود جزای منتشرۀ جریده رسمی شماره ۱۲۶۰ مؤرخ ۲۵ ثور ۱۳۹۶، بدیل حبس را به شکل وسیعتر، طی مواد (۱۴۵ تا ۱۶۸) تنظیم نمود. به تعقیب آن، ضمیمۀ شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، منتشرۀ جریده رسمی شماره ۱۲۸۶ مؤرخ ۱۵ حوت ۱۳۹۶، به داخل هشت فصل و ۶۷ ماده نافذ گردید، و با انفاذ آن، مواد (۳۲۵ تا ۳۲۹) قانون اجراءات جزایی فوق الذکر، لغو گردید. این ضمیمه به منظور تنظیم امور مربوط به طرز تطبیق جزاهای بدیل حبس و حجز، وضع گردیده است.

این فصل، احکام بدیل حبس را در روشنایی مواد (۱۴۵ تا ۱۶۸) کود جزا، و ضمیمۀ شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، بررسی می نماید و مشتمل بر چهار مبحث می باشد. چون جزاهای بدیل حبس، چهار نوع می باشد^۱، و هر نوع آن در مبحث مستقل بررسی می گردد؛ در مبحث اول: دوره مراقبت را تعریف، انواع موارد دوره مراقبت، شرایط کمی و کیفی دوره مراقبت و الغای دوره مراقبت را توضیح می دهیم. در مبحث دوم: خدمت عام المنفعه را تعریف، و انواع آنرا تشخیص می دهیم. مؤسسه و ادارات استحصال خدمات عام المنفعه را مشخص خواهیم نمود. شرایط مرتبط به خدمات عام المنفعه، قطعیت و الغای خدمات عام المنفعه را به طور همه جانبه مورد بحث قرار می دهیم. در مبحث سوم: محرومیت از حقوق اجتماعی را تعریف می کنیم. شرایط کمی و کیفی آنرا تشریح خواهیم کرد. و تفاوت آنرا با سایر مؤیدات مندرج کود جزا مورد بحث قرار خواهیم داد. در مبحث چهارم: حبس در منزل را تعریف، شرایط کمی و کیفی آن، و چگونگی نظارت از آن را به بررسی خواهیم نمود.

^۱ - همان، ماده ۱۵۰

فعالیت شماره (۷)

سوالات مباحثی:

۱. آیا قاضی می‌تواند در دوره مراقبت بیش از یک مورد از موارد دوره مراقبت را بالای محکوم علیه حکم کند؟
۲. آیا میعاد دوره مراقبت بعد از صدور حکم محکمه کاهش یا افزایش می‌یابد؟
 - الف - اگر کاهش می‌یابد چگونه آنرا توضیح دهید؟
 - ب - اگر افزایش می‌یابد چگونه آنرا توضیح دهید؟

مبحث اول: دوره مراقبت:

در این مبحث، دوره مراقبت را تعریف، انواع دوره مراقبت، شرایط کمی و کیفی، موارد قابل تطبیق و عواقب تخلف از شرایط دوره مراقبت را تحت مطالعه قرار می‌دهیم.

گفتار اول: تعریف دوره مراقبت:

دوره مراقبت به اساس ماده ۱۵۸ کود جزا، تعریف شده است. برای وضاحت بیشتر، دوره مراقبت را در لغت و اصطلاح تعریف می‌کنیم.

الف - دوره مراقبت در لغت:

دوره مراقبت اصطلاح مرکب از دو کلمه: دوره و مراقبت، است. دوره در لغت به معنی مدت زمان معین استعمال می‌شود. و مراقبت به معنی حراست، نگهداری، حفاظت به کار می‌رود. یعنی نگهداری کردن یا حفاظت کردن برای مدت زمان معین.

ب - دوره مراقبت در اصطلاح:

دوره مراقبت عبارت از مدت زمانی است که مرتکب جرم به اساس حکم محکمه، به اجرای یک یا چند مورد از موارد مندرج ماده ۱۵۸ کود جزا، حد اکثر الی پنج سال ملزم می‌گردد.

حد اقل دورهٔ مراقبت، در قانون تصریح نشده است. اما نظر به اینکه بدیل حبس عوض حبس است و حد اقل حبس سه ماه می‌باشد. بناء حد اقل بدیل حبس نیز سه ماه بوده می‌تواند.

گفتار دوم: موارد دورهٔ مراقبت:

موارد دورهٔ مراقبت در مادهٔ ۱۵۸ کود جزای افغانستان قرار زیر پیشبینی شده است:

۱. اقامت در محل معین؛
 ۲. منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین؛
 ۳. ملزم ساختن به اشتراک در جلسات مشورتی ماهانه یا کمتر از آن؛
 ۴. حرفه آموزشی یا گذراندن دوره های آموزشی و مهارتی؛
 ۵. مساعدت به مجنی علیه در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم و کسب رضایت مجنی علیه؛
 ۶. حاضری دادن به دفتر پولیس یا مرجعی که محکمه تعیین می نماید؛
 ۷. ترک معاشرت با اشخاصی که محکمه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می دهد؛
 ۸. منع اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم نماید؛
 ۹. الزام به فراگیری تعلیم و تربیه، آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی و پابندی به آن؛ و
 ۱۰. اقدام به درمان اختلال های روانی، رفتاری و جسمانی.
- محکمه با در نظر داشت اوضاع و شرایط مربوط به جرم و مرتکب آن، متهم را به اجرای یک یا چند مورد از موارد فوق الذکر، محکوم می‌نماید. برای وضاحت بیشتر، موارد فوق را طی نکات ذیل، توضیح خواهیم داد.^۱

۱. اقامت در محل معین:

^۱ - همان، ماده ۱۵۸

اقامت در محل معین اولین مورد از موارد « دوره مراقبت » است که محکمه محکوم علیه را به اقامت در آن محل، منحنی جزای بدیل حبس، محکوم می‌نماید. و محکوم علیه مکلف است مدت معینه را در آن محل سپری نماید. و بدون اجازه محکمه نمی‌تواند آن محل را تغییر بدهد، در غیر آن، متخلف از حکم محکمه پنداشته می‌شود.

در رابطه به صلاحیت محکمه در تعیین محل اقامت، سوال زیر قابل طرح است:

فعالیت شماره (۸)

سوال مباحثی:

آیا محکمه در تعیین محل اقامت، کلاً مختار است؟ برای مثال: شخص حین ارتکاب جرم در مرکز ولایت زندگی می‌کرد. آیا قاضی می‌تواند یکی از ولسوالی های این ولایت یا ولایت دیگری را برای اقامت محکوم علیه، تعیین کند؟

در روشنایی «فقره (۱) ماده چهاردهم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی درمورد تطبیق بدیل های حبس وحجز» جواب بدهید.

در رابطه به تغییر محل اقامت بدون عذر توسط محکوم علیه، انتقاد زیر قابل طرح است:

فعالیت شماره (۹)

تفکر انتقادی:

تعارض بین قوانین در حکم تغییر محل اقامت بدون عذر توسط محکوم علیه:

- نظر به (ماده ۱۵۹ کود جزاء)، هرگاه محکوم علیه، حکم محکمه را رعایت نه نماید؛ (یعنی محل اقامت معینه را بدون عذر تغییر دهد) مؤیده این تخلف آن است که برای بار اول، دوره

مراقبت تا یک‌ونیم چند قابل تمدید است. و در صورت تکرار تخلف، حکم مراقبت لغو و مدت باقیمانده دوره مراقبت به حبس تنفیذی تبدیل می‌شود.

▪ اما نظر به صراحت (فقره ۵) ماده ۱۴ ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز)، تغییر محل بدون عذر توسط محکوم علیه، دو حالت دارد:

۱. اگر تمدید دوره مراقبت در محل جدید، امکان تنفیذ و نظارت را داشته باشد، محکمه دوره مراقبت را در محل جدید، یکماه بیشتر تمدید می‌کند.

۲. اگر تمدید دوره مراقبت در محل جدید، امکان تنفیذ و نظارت را نداشته باشد، محکمه دوره مراقبت را لغو، و مدت باقیمانده دوره مراقبت را به حبس تنفیذی تبدیل می‌کند.

آیا از نظر شما، این دو قانون باهم متعارض اند یا اینکه کدام توجیهی کرده می‌توانید؟

۲. منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین:

منع اقامت در محل یا محلات معین، یا منع تردد در محل یا محلات معین، مورد دوم از موارد «دوره مراقبت» منعی جزای بدیل حبس پیشبینی شده است. محکمه می‌تواند منعی جزای بدیل حبس، مرتکب جرم را از اقامت در یک یا چند محل معین یا تردد در آن، منع کند. تعیین محل یا محلات ممنوعه نظر به صلاحدید محکمه صورت می‌گیرد. این ممنوعیت، در حقیقت یک نوع جزا است که به هدف تحقق مصالح عمومی و مصالح خصوصی خود مرتکب، اعمال می‌شود.

هرگاه محکوم علیه، حکم محکمه در مورد «منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین» را رعایت نکند، حکم مندرج ماده ۱۵۹ کود جزا، بر وی تطبیق می‌شود.

فعالیت شماره (۱۰)

تفکر انتقادی:

منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین در بند ۲ ماده ۱۵۸ کود جزا، منعی جزای بدیل حبس، و در مواد ۱۹۳ الی ۱۹۶ کود جزا، منعی تدابیر تأمینی تحدید کننده آزادی، پیشبینی شده است. آیا این روش قانونگذار را توجیه کرده می‌توانید؟

۳. اشتراک در جلسات مشورتی:

اشتراک در جلسات مشورتی، مورد سوم از موارد «دوره مراقبت» منعی جزای بدیل حبس، پیشبینی شده است. محکمه می تواند مرتکب جرم را ملزم سازد تا در جلسات مشورتی هفته وار یا ماهانه، اشتراک نماید.^۱ مکلف ساختن مرتکب به حضور در همچون جلسات، مجازات پنداشته شده است، اما این مجازات به هدف تربیه و اصلاح مرتکب جرم، بر وی تطبیق می گردد. اشخاصی به این نوع مجازات محکوم می شوند که جرایم شان ناشی از عدم رعایت آداب معاشرت، یا ناشی از سوء اخلاق و امثال آنها باشد. نحوه تطبیق این جزا در (ضمیمه شماره ۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز،^۲ پیشبینی شده است.

هرگاه محکوم علیه، بدون عذر مؤجه، حکم محکمه در مورد «اشتراک در جلسات مشورتی» را رعایت نکند، طبق فقره ۵ ماده ۱۶ ضمیمه، حکم مندرج فقره (۲) ماده ۱۵۹ کود جزا، بر وی تطبیق می شود. قسمیکه ملاحظه می شود، نتیجه احاله به فقره دوم ماده ۱۵۹، محکوم علیه را از برخورد خفیف مندرج فقره اول ماده متذکره، که تمديد دوره مراقبت است، محروم می سازد. پس عکس العمل ضمیمه نسبت به کود جزا شدیدتر است، اما از جانب مقابل در ضمیمه دو نوع تساهل هم مشاهده می شود:

یک: عدم اشتراک در یک جلسه را معاف دانسته است.

دو: عذر مؤجه را به رسمیت شناخته است. به این معنی کسیکه به سبب عذر مؤجه در جلسات ولو بیشتر از یک جلسه باشد، حضور نمی یابد، برخورد شدید همایش صورت نمی گیرد. تشخیص موجه بودن عذر از صلاحیتهای موضوعی قاضی است.

۴. حرفه آموزی یا گذراندن دوره های آموزشی مهارتی:

حرفه آموزی یا گذراندن دوره های آموزشی مهارتی، مورد چهارم از موارد دوره مراقبت (منعی جزای بدیل حبس) پیشبینی شده است. محکمه در حالات ذیل، مرتکب را به آموزش حرفه و گذراندن دوره های آموزشی و مهارتی، مکلف می سازد:

^۱ - رک: کود جزا، بند ۳ ماده ۱۵۸، و ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، ماده ۱۶.

^۲ - ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، ماده ۱۶

۱. در صورتی که ارتکاب جرم ناشی از بیکاری و عدم داشتن مهارت شخص باشد.
 ۲. در صورتی که شخص بی سواد بوده یا زمینه ادامه تحصیلات برای وی ممکن نباشد.
 ۳. در صورتی که مهارت حرفوی شخص ناکافی بوده یا تکافوی زندگی وی را نه نماید.
- محکومیت مرتکب جرم به (حرفه آموزی یا گذراندن دوره های آموزشی مهارتی) از یک جانب مجازات بدیل حبس است، و از جانب دیگر پرکردن خلای ذاتی مرتکب است. چون اگر آن خلاهایی که در شخصیت مرتکب بود و عامل ارتکاب جرم نیز گردیده بود، پر نشود، ممکن است بار دیگر عامل جرم گردد.

نحوه برگزاری جلسات آموزشی و چگونگی تطبیق آن در (فقره های ۲ تا ۴) ضمیمه شماره (۲) قانون اجراء جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز)، تنظیم شده است.

هرگاه محکوم علیه به جزای (حرفه آموزی یا گذراندن دوره های آموزشی مهارتی) حکم محکمه ویا مقررات مرکز را رعایت نکند، متخلف شمرده شده طبق فقره ۵ ماده ۱۷ ضمیمه (۲) قانون اجراء جزایی، برای بار اول برایش اخطار داده می شود، و در صورت تکرار به محکمه راجع می شود، و محکمه می تواند برای بار اول دوره مراقبت را برای یک و نیم چند افزایش دهد، و در صورت تکرار تخلف، حکم ماده ۱۵۹ کود جزا بر وی تطبیق می شود.

ایجاب می کرد که فقره ۵ ماده ۱۷ ضمیمه، فقط به فقره دوم ماده ۱۵۹ کود جزا احاله می کرد؛ زیرا حکم فقره اول ماده ۱۵۹ که عبارت از تمديد یک و نیم چند دوره مراقبت است، در فقره ۵ ماده ۱۷ ضمیمه تصریح شده است و نیاز نیست مکرراً به آن حکم شود. با این سوء احاله، ظاهراً دوره مراقبت دو بار تمديد می شود هر بار برای یک و نیم چند. بار اول به اساس صراحت فقره ۵ ماده ۱۷ ضمیمه و بار دوم به اساس فقره اول ماده ۱۵۹ کود جزا، و بعد از دو بار تمديد (طبق فقره دوم ماده ۱۵۹) دوره مراقبت لغو و مدت باقی مانده به حبس تبدیل می گردد. احتمالاً که این امر ناشی از سوء تعبیر قانون باشد نه هدفمندانه.

۵. مساعدت به متضرر:

مساعدت به متضرر، مورد پنجم از موارد دورهٔ مراقبت (منحیث جزای بدیل حبس) پیشبینی شده است. محکمه می‌تواند با نظرداشت نیازمندی‌های مادی یا معنوی متضرر، وضعیت و شرایط مالی محکوم علیه، علاوه بر محکومیت به سایر موارد مراقبت، محکوم علیه را به مساعدت مادی یا حمایت معنوی متضرر، نیز مکلف نماید.

در فقره‌های (۲ و ۳) ماده ۱۸ ضمیمهٔ شماره دوم قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل‌های حبس و حجز مساعدت مادی و حمایت معنوی، چنین تعریف شده است:

فقره (۲): مساعدت مادی به متضرر: جبران خساره وارده ناشی از عمل جرمی مرتکب می‌باشد.

فقره (۳): حمایت معنوی متضرر: شامل معذرت خواهی و ابراز ندامت از عمل جرمی در حضور متضرر و احترام و عدم رساندن آزار و اذیت به وی در آینده می‌باشد.

فعالیت شماره (۱۱)**تفکر انتقادی:**

- انتقادی که بر فقره (۲) وارد می‌شود این است که مساعدت متضرر و جبران خساره وارده ناشی از عمل جرمی، مسئولیت مدنی است، و مرتکب جرم مکلف به جبران خساره ناشی از جرم می‌باشد. اما در اینجا به عنوان بدیل حبس، منحیث مسئولیت جزایی پیشبینی شده است. آیا جبران خساره را می‌توان در عین حال، هم مؤیدهٔ مدنی و هم مؤیدهٔ جزایی دانست؟

- انتقادی که بر فقره (۳) وجود دارد این است که احترام و عدم رساندن آزار و اذیت به متضرر یا به هر شخص دیگری، قانوناً منع است، و هیچ شخص نباید به شخص دیگری آزار و اذیت برساند، در غیر آن مجازات خواهد شد. آیا یک ممنوعیت قانونی را می‌توان منحیث جزای بدیل حبس، پیشبینی کرد؟

اشتراک‌کنندگان پیرامون این موضوع با هم مباحثه نمایند.

۶. حاضری دادن محکوم علیه:

حاضری دادن در دفتر پولیس یا یک مرجع رسمی دیگر، مورد ششم از موارد دوره مراقبت است که منحصراً جزای بدیل حبس پیشبینی شده است. محکمه می تواند با در نظر داشت اوضاع و احوال محکوم علیه، وی را علاوه بر سایر موارد مراقبت، به دادن حاضری در دفتر پولیس یا یک مرجع رسمی نزدیک به محل سکونت وی، نیز مکلف نماید.

فعالیت شماره (۱۲)

سوال مباحثی:

در مورد محکومیت متهم به حاضری دادن، دو دیدگاه وجود دارد:

اول: محکمه نمی تواند محکوم علیه را فقط به حاضری دادن به دفتر پولیس یا مرجع رسمی دیگر، منحصراً یک مورد مستقل، محکوم نماید. بلکه محکوم علیه نخست به یک یا چند مورد از موارد دوره مراقبت محکوم می شود، سپس به منظور اطمینان از رعایت اجرای موارد محکوم بها، به حاضری دادن نیز محکوم می شود.

دوم: محکمه می تواند نظر به اوضاع و احوال محکوم علیه، وی را فقط به جزای (حاضری دادن...) محکوم نماید.

شما در روشنایی (ماده نهم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزائی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز) دیدگاه خود تانرا ابراز کنید؟

۷. ترک معاشرت با اشخاص مضر:

مورد هفتم از موارد دوره مراقبت (منحصراً جزای بدیل حبس) آن است که محکمه می تواند محکوم علیه را از معاشرت با اشخاصی که معاشرت با آنها به ضرر وی باشد، منع نماید. این جزای یکنوع تدابیر مراقبتی پنداشته شده و به منظور اصلاح محکوم علیه و جلوگیری از ارتکاب جرم احتمالی، تطبیق می شود.

این مورد (ترک معاشرت با اشخاص مضر) نظر به صراحت (ماده بیستم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی) به تنهایی اعمال نمی‌شود، بلکه محکمه محکوم علیه را نخست به یک یا چند مورد از موارد دوره مراقبت، محکوم نموده و علاوه بر آن، وی را از معاشرت با بعضی اشخاص مضر، منع می‌کند.

هرگاه محکوم علیه حکم محکمه را در زمینه رعایت نه نماید، حکم مندرج ماده ۱۵۹ کود جزا بر وی تطبیق می‌گردد.

۸. منع اشتغال به کارهای معین:

مورد هشتم از موارد دوره مراقبت که من حیث بدیل حبس پیشبینی شده است، منع اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم نماید، است. این جزا نیز یکنوع تدابیر مراقبتی پنداشته شده و به منظور اصلاح محکوم علیه و جلوگیری از ارتکاب جرم احتمالی، تطبیق می‌شود.

نظر به صراحت (ماده بیستم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی) این مورد (منع اشتغال به کارهای معین) به تنهایی علیه محکوم علیه اعمال نمی‌شود، بلکه محکمه محکوم علیه را علاوه بر سایر تدابیر مراقبتی، از اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم نماید، منع می‌کند.

۹. الزام به فراگیری تعلیم و تربیه:

الزام به فراگیری تعلیم و تربیه، آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی، مورد نهم از موارد دوره مراقبت است که من حیث جزای بدیل حبس، محکوم علیه به آن مکلف ساخته می‌شود. محکمه زمانی محکوم علیه را به فراگیری تعلیم و تربیه، آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی ملزم می‌سازد که ارتکاب جرم ناشی از: الف: عدم تعلیم و تربیه مرتکب، ب: یا ضعف آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی وی باشد. نظر به صراحت (ماده ۲۱ ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی) الزامیت به تعلیم و تربیه من حیث یک مورد مستقل بدیل حبس، به تنهایی علیه محکوم علیه، اعمال نمی‌شود، بلکه محکمه محکوم علیه را علاوه بر سایر تدابیر مراقبتی، به فراگیری تعلیم و تربیه، آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی نیز مکلف می‌سازد.

هدف از تطبیق این تدبیر مراقبتی، ارتقای سطح تعلیمی و تربیتی محکوم علیه و تحسین آداب معاشرتی او می باشد. تقویت این ضعف محکوم علیه، ارتکاب جرائم ناشی از همچون ضعف ها را کاهش می دهد. نحوه تطبیق فراگیری تعلیم و تربیه در فقره های (۲ و ۳) ماده بیست و یکم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، و ضمانت های اجرایی آن در ماده ۱۵۹ کود جزا، تنظیم شده است.

فعالیت شماره (۱۳)

سوال مباحثی:

آیا هزینه فراگیری تعلیم و تربیه، آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی، بر عهده حکومت است یا بر عهده خود محکوم علیه؟

۱۰. درمان اختلال های روانی، رفتاری و جسمانی:

درمان اختلال های روانی، رفتاری و جسمانی محکوم علیه، آخرین مورد از موارد دوره مراقبت من حیث بدیل حبس در کود جزا، پیشبینی شده است. در صورتی که نزد محکمه تشخیص شود که ارتکاب جرم ناشی از اختلالات روانی، رفتاری و جسمانی مرتکب باشد، محکمه علاوه بر سایر تدابیر مراقبتی، مرتکب را به یکی از مراجع روان درمانی یا صحی معرفی می نماید. هدف از این تدبیر مراقبتی، معالجه محکوم علیه و جلوگیری از ارتکاب جرایم احتمالی توسط او، می باشد.

معیاد درمان با مشوره هیئت طبی تعیین می گردد.^۱ احکام ماده ۱۵۹ کود جزا، بر محکوم علیه متخلف، تطبیق می شود.

^۱ - ر.ک: ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی. فقره (۲) ماده ۲۲

فعالیت شماره (۱۴)

سوال مباحثوی:

آیا هزینه درمان محکوم علیه برعهده حکومت است یا برعهده خود محکوم علیه؟

فعالیت شماره (۱۵)

تفکر انتقادی: مربوط به دوره مراقبت مندرج در ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی:

کود جزا در ماده ۱۵۸، دوره مراقبت را منحیث بدیل حبس پیشینی نموده و موارد آنرا ده مورد شمرده است. و در ماده ۱۵۹، مؤیده هایی بر محکومین متخلف از حکم محکمه، وضع نموده است. اما (ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزائی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز) شرایط تطبیق این موارد ده گانه دوره مراقبت را در مواد چهاردهم تا بیست و دوم توضیح داده است، اما در این توضیحات ملاحظه می شود که ضمیمه مذکور روش واحد را به کار نبرده است؛ برای بعضی موارد، مؤیده های متفاوت از مؤیده های مندرج ماده ۱۵۹ کود جزا، وضع نموده است. و برخی موارد را به مؤیده مندرج ماده ۱۵۹ کود جزا، احاله کرده است. و برای موارد دیگری، هیچ مؤیده ای وضع نکرده است. در صورت تعارض میان مؤیده پیشینی شده در کود جزا و ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزائی، به کدام یکی ترجیح می دهید؟ و چرا؟

مبحث دوم: انجام خدمات عامه:

انجام خدمات عامه، یکی از چهار نوع جزاهای بدیل حبس است که در ماده ۱۵۰ کود جزا تصریح شده است (دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل). در مبحث گذشته، دوره مراقبت تشریح گردید. در این مبحث احکام "انجام خدمات عامه" بررسی می گردد. خدمات عامه، به حیث یکی از بدیل های مفید به حال جامعه و مجرمین، در اکثریت کشورهای جهان تطبیق می شود. در این مبحث ما خدمات عامه را با استفاده از تجارب سایر کشور ها و پیشنهادات سازمانهای بین المللی به طور تفصیلی در سه گفتار به گونه ذیل تحت مطالعه قرار می دهیم: گفتار اول: مفهوم خدمات عامه، گفتار دوم: انواع خدمات عامه، گفتار سوم: مراجع استحصال خدمات عامه، گفتار چهارم: اهداف و مزایای خدمات عامه و گفتار پنجم: شرایط خدمات عامه.

گفتار اول: مفهوم خدمات عامه:

مفهوم خدمات عامه را در لغت و در اصطلاح تحت مطالعه قرار می دهیم.

الف - خدمات عامه در لغت:

خدمات عامه یک اصطلاح ترکیبی از دو کلمه (خدمات و عامه) است. خدمات که جمع خدمت است، در لغت به معنای کارکردن به کسی، نوکری چاکری^۱ و کلمه عامه به معنای آنچه سودش به همه برسد، کاری یا چیزی که همه مردم از آن بهره ببرند^۲، می باشد. بنا بر این، ترکیب خدمات عامه (خدمات عام المنفعه، خدمات اجتماعی) به معنای کار و وظیفه است که انجام آن، قابل استفاده و مفید به همه اعضای جامعه باشد.

۱ - حسن، عمید، فرهنگ فارسی عمید، دو جلدی انتشارات امیر کبیر، تهران، جلد اول، سال ۱۳۹۱ خورشیدی، ص-۸۴۰.

۲ - همان، ص-۱۴۲۲.

ب - خدمات عامه در اصطلاح:

در اصطلاح حقوقی، خدمات عامه کاربردهای متعدد دارد. در باب بدیل حبس، خدمات عامه یا اجتماعی عبارت است از حکمی که محکمه مجرم را با توجه به رضایت وی، به جای فرستادن به محبس، به انجام کار مجانی و بدون دریافت مزد، به تعداد ساعات معین، برای جامعه یا یکی از موسسات خیریه و عام المنفعه به نمایندگی از کل جامعه ملزم می نماید^۱.

یا به عبارت دیگر: خدمات عام المنفعه عبارت از مجازاتی است که بر اساس آن محکمه محکوم علیه را موظف می کند تا با نظارت و کنترل مامور مراقبت، ساعات مشخص کاری را در مدت زمان معین، بدون دریافت مزد به سود جامعه انجام دهد.

کود جزای افغانستان در فقره (۱) ماده ۱۶۲، خدمات عامه را چنین تعریف نموده است: «خدمات عامه عبارت از کاری است که مرتکب جرم به انجام آن به نفع جامعه با دریافت قسمی مزد و یا بدون آن، محکوم می گردد.»

ولی در بند ۴ ماده دوم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، خدمات عامه چنین تعریف گردیده است: «خدمات عامه: فعالیت های است که محکوم آنرا به نفع جامعه انجام میدهد.»

فعالیت شماره (۱۶)**سوال مباحثوی:**

آیا محکمه می تواند محکوم علیه را به انجام خدمات عامه من حیث جزای بدیل حبس، با دریافت قسمی مزد، محکوم کند؟

جواب این سوال، در روشنایی تعریف خدمات عامه، ارائه شده می تواند. اما در اینجا دو تعریف وجود دارد. یکی از این تعریف ها، راجح و دیگر آن مرجوح است.

شما در روشنایی قواعد (ناسخ و منسوخ، عموم و خصوص، مطلق و مقید، مجمل و مفصل) تشخیص دهید که به کدام یک از این دو تعریف، ارجحیت داده می شود؟

^۱ - محمدبصیر، حقیر اسحق زوی، پیشین، ص ۱۶

اگر قاعده (نسخ) را تطبیق کنید، به تعریف مندرج ماده دوم ضمیمه، ارجحیت داده می‌شود، چون ضمیمه مذکور، یکماه بعد از کود جزا، نافذ شده است. و قانون لاحق قانون سابق را منسوخ می‌کند. و اگر قاعده (مجمل و مفصل) را تطبیق کنید، به تعریف مندرج فقره (۱) ماده ۱۶۲ کود جزا، ارجحیت داده می‌شود. چون کود جزا، خدمات عامه را به طور مفصل تعریف کرده است. اما ضمیمه شماره (۲)...، خدمات عامه را بطور مجمل تعریف کرده است، و مفصل بر مطلق ارجحیت دارد.

گفتار دوم: انواع خدمات عامه:

انواع خدمات عامه در ماده بیست و سوم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، در پنج مورد، حصر شده است که عبارت اند از:

۱. امور آموزشی؛
۲. امور صحی؛
۳. امور فنی و حرفه‌ای؛
۴. امور خدماتی؛ و
۵. امور زراعتی.

فعالیت شماره (۱۷)

سوال مباحثی:

آیا محکمه می‌تواند محکوم علیه را به انجام خدمات عامه منحیث جزای بدیل حبس، در مورد دیگری غیر از موارد پنجگانه، مکلف سازد؟

جواب احتمالی:

حصر انواع خدمات عامه بر موارد پنجگانه فوق الذکر به این معنی است که محکمه نمی‌تواند محکوم علیه را به غیر از موارد مذکور، مکلف سازد.

جزئیات موارد پنجگانه را در ماده بیست و سوم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، مطالعه کنید.

گفتار سوم: مراجع استحصال خدمات عامه:

ماده ۲۴ ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، مرجع استحصال خدمات عامه را قرار زیر تصریح کرده است:

- ۱ وزارت ها و ادارات دولتی در مرکز و ولایات.
- ۲ مؤسسات تعلیمی و تحصیلی دولتی.
- ۳ کمیسیون ها.
- ۴ شارولی ها.
- ۵ مؤسسات خیریه و امداد رسان.
- ۶ پرورشگاه ها.
- ۷ کارگاه ها و کارخانه های صنعتی دولتی و غیر دولتی.
- ۸ معادن.
- ۹ جمعیت هلال احمر.
- ۱۰ ادارات ترافیک.
- ۱۱ سایر مراجع به تشخیص محکمه.»

فعالیت شماره (۱۸)

سوال مباحثوی:

آیا محکمه می تواند محکوم علیه را به مرجع دیگری غیر از مراجع مصرح در ماده ۲۴ ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، جهت انجام خدمات عامه، معرفی نماید؟

جواب احتمالی:

ماده ۲۴ ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی، مراجع استحصال خدمات عامه را به ده مرجع تصریح شده، حصر نکرده است بلکه برای محکمه صلاحیت داده است که می تواند متهم را جهت انجام خدمات عامه - به تشخیص خود - به مرجع دیگری غیر از مراجع ده گانه، معرفی نماید چون در بند ۱۱ ماده متذکره از سایر مراجع بحث شده است.

اما مرجعی را که محکمه تشخیص می‌دهد نباید از مراجع متذکره در ماده ۲۵ ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزائی باشد. ماده مذکور چنین تصریح می‌کند: "محکمه نمیتواند، شخص را به انجام خدمات عامه در مراجع ذیل محکوم نماید:

۱. مراجع عدلی و قضایی.

۲. مراجع امنیتی، کشفی و استخباراتی.

۳. بخش های سری و دارنده اطلاعات و اسناد محرم."

در رابطه به تعیین مرجع استحصال خدمات عامه انتقاد زیر مطرح می‌گردد:

فعالیت شماره ۱۹

تفکر انتقادی:

از عبارت "خدمات عامه" دانسته می‌شود که مرجع استحصال خدمات عامه باید نهاد های دولتی باشد نه نهاد های غیر دولتی یا خصوصی چون تنها نهادهای دولتی است که خدمات عامه را فراهم می‌کنند و نهاد های غیر دولتی تنها برای منافع شخصی خود کار می‌کنند. اما در بند هفت ماده ۲۴ قانون اجراءات جزائی آمده است: "کارگاهها و کارخانه های صنعتی دولتی و غیر دولتی"، پس چگونه ممکن است که به کارخانه های صنعتی غیر دولتی عرضه خدمات عامه اطلاق گردد؟ چون آنها تنها برای منافع شخصی خود کار می‌کنند.

گفتار چهارم- مزایا و هدف:

خدمات عام المنفعه حکمی است که با در نظر داشت میزان خطرناکی مجرم و فعل ارتكابی اش و یا هدف جبران خساره مجنی علیه و اعاده نظم مختل شده جامعه توسط خودش، از راه انجام خدمت برای جامعه بطور رایگان یا در مقابل مزد قسمی، بدون اینکه به محبس بروند، تعمیل می‌شود. یعنی جزای خدمات عام المنفعه علاوه از اینکه در حفظ و ارتقای عزت نفس و رشد مجرم مثمر است، یکی از راه های تحریک و تقویت احساس مسؤلیت پذیری نزد مجرمین و وسیله مؤثری برای اعاده نظم مختل شده و جبران خساره توسط خود شان به شمار می‌رود. خدمات عام المنفعه برای مجرم این فرصت را میدهد تا برای جامعه ای

که آنرا متضرر ساخته است خود را به عنوان یک شخص مفید به اثبات برساند. یعنی مجازات خدمات عام المنفعه به حیث بدیل حبس به محکوم علیه زمینه اصلاح و تربیه مجدد را فراهم می سازد. شخص محکوم علیه که از خدمات اجتماعی استفاده میکند باید کار را طور منظم، هدفمند و با مسؤولیت انجام دهد و از سوی دیگر کاری را که انجام میدهد متضمن جبران خساره و ترمیم اجتماعی باشد و یک پارچه گی اجتماع و مجرم را نشان بدهد.

گفتار پنجم- شرایط خدمات عام المنفعه:

با وجود اینکه خدمات عام المنفعه به عنوان بدیل حبس یک اقدام و تدبیر مفید برای مجرمین ثابت و تجربه شده است، ولی تطبیق آن بدون قید و شرط نیست. با در نظر داشت سن، اهلیت، شخصیت، سطح تحصیلی و شغلی و با در نظر داشت مؤثریت تطبیق آن با رضایت و بعضاً به پیشنهاد مجرمین قابل تطبیق خواهد شد. از طرف دیگر در صورتیکه محکوم علیه شرایط انجام خدمات عام المنفعه را داشته باشد و از امتیاز آن برخوردار شود، حین تطبیق خدمات عام المنفعه شرایطی را که از قبل تعیین شده است باید رعایت کند^۱. در صورتیکه محکوم علیه شرایط مذکور در حکم محکمه را رعایت نکند، سبب تغییر و حتی الغای حکم بدیل حبس شده، و شخص محکوم علیه روانه محبس خواهد شد.

ماده ۱۶۶ کود جزا چنین صراحت دارد: «هرگاه محکوم علیه بدون عذر مؤجه، از انجام خدمات عامه یا از شرایط مقرر برای انجام کار تخلف ورزد، بار اول حداکثر تا ۸۰ ساعت، در ساعت های انجام خدمات عامه وی افزود می گردد، در صورت تکرار، محکمه می تواند به اساس پیشنهاد خازنوال مربوطه، مدت خدمات عامه باقیمانده وی را به حبس تبدیل نماید. در این صورت، محکوم علیه در برابر هر ۸ ساعت از ساعات باقیمانده، یک شبانه روز زندانی می شود».

۱ - همان، ص ۲۷

فعالیت شماره (۲۰)

سوالات مباحثی:

ماده ۱۶۶ کود جزا را به دقت بخوانید، سپس جملات ذیلا را مطالعه نموده، جملات صحیح را از غلط تفکیک نمایید:

۱. شخصی که برای بار اول از شرایط مندرج حکم محکمه، تخلف ورزیده است، محکمه باید مدت خدمات عامه وی را حد اکثر تا ۸۰ ساعت افزود نماید.
۲. شخصی که برای بار اول از شرایط مندرج حکم محکمه، تخلف ورزیده است، محکمه می تواند بدون پیشنهاد خارنوال، مدت خدمات عامه وی را حد اکثر تا ۸۰ ساعت افزود نماید.
۳. شخصی که برای بار دوم از شرایط مندرج حکم محکمه، تخلف ورزیده است، محکمه می تواند بدون پیشنهاد خارنوال، مدت باقیمانده خدمات عامه وی را به حبس تبدیل نماید.
۴. شخصی که برای بار دوم از شرایط مندرج حکم محکمه، تخلف ورزیده است، در صورتی که خارنوال، تبدیلی مدت باقیمانده خدمات عامه وی را به حبس، پیشنهاد نماید، محکمه باید پیشنهاد خارنوال را قبول کند.

به هر صورت برای تطبیق مؤثر خدمات عام المنفعه یک سلسله شرایط گذاشته شده است بعضی آنها مربوط عمل مجرمانه ارتكابی و بعضی شان مربوط به محكوم علیه، بعضی از آنها مربوط به مرجع استحصال کننده خدمات و چگونگی کمیت و کیفیت اجرای آن می شود که باید رعایت شود.

در صورتیکه شرایط مربوط به جرم موجود شده باشد، محکمه تمامی شرایط تحمیل و تعمیل خدمات عام المنفعه و همچنان عواقب عدم رعایت شرایط آن را به محكوم علیه تفهیم نموده و در صورتیکه رضایت داشته باشد، حکم خویش را مبنی بر خدمات عام المنفعه در بدل حبس صادر می نمایند. شرایط مذکور را ذیلا تحت مطالعه قرار میدهم.

الف - شرایط مربوط به جرم:

در اکثر کشورها خدمات عام المنفعه برای جرایم خفیف قابل رعایت و تطبیق شمرده می شود و بر جرایم سنگین و خطرناک قابل اعمال نمی باشد. با این هم در کشورها سیاست جنایی واحد وجود ندارد، هر کشور از سیاست جداگانه پیروی می نماید.

شرایط مربوط به جرم، در نظام جزایی افغانستان، طوری پیشینی شده است که محکوم کردن متهم به اجرای خدمات عامه - در مجموع به بدیل حبس - در جرایمی ممکن است که حد اکثر جزای معین قانونی آن الی پنج سال حبس باشد. فقره (۱) ماده ۱۵۱ کود جزا، در زمینه چنین تصریح می کند: «محکمه می تواند مرتکب جرمی را که حد اکثر جزای معین قانونی آنها الی پنج سال حبس باشد، مطابق احکام این قانون به جزای بدیل حبس محکوم نماید.»

علاوه بر مورد مندرج فقره (۱) ماده ۱۵۱ کود جزا، یک مورد دیگر تحت عنوان (تعویض محکومیت حبس به بدیل) در ماده هشتم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، پیش بینی شده است. به ماده مذکور مراجعه نمایید.

ب- شرایط مربوط به مرتکب جرم:

شرایط مربوط به مجرم نیز در کشورها متفاوت است. اما در نظام جزایی افغانستان، مرتکبینی که به انجام خدمات عامه مکلف نمی گردند، استثنا شده اند. بنابراین؛ بقیه مرتکبین جرم، که سایر شرایط در قسمت آنها تکمیل، باشد، به انجام خدمات عامه (منحیث جزای بدیل حبس) مکلف شده می توانند.

فقره (۱) ماده بیست ونهم ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در زمینه چنین تصریح می کند: اشخاص ذیل مکلف به انجام خدمات عامه نمی گردند:

۱. شخصی که مصاب به امراض ساری یا صعب العلاج باشد.
۲. شخصی که دارای معلولیت های فزیکتی یا روانی باشد که مانع اجرای خدمات عامه گردد.
۳. محکومین اناث که سن آنها بیشتر از ۵۵ سال و محکومین ذکور که سن آنها بیشتر از ۶۵ سال باشند.
۴. زنانی که حامله یا شیر ده باشند.
۵. طفلی که سن وی کمتر از ۱۵ سال باشد.

فعالیت شماره (۲۱)

تفکر انتقادی:

نظر به صراحت بند ۶ ماده ۱۰۹ کود جزا، هر طفل - بدون قید سن - که مرتکب جرم جنحه شود، به انجام خدمات اجتماعی، مکلف شده می‌تواند. اما نظر به بند ۵ فقره (۱) ماده ۲۹ ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزائی، طفل تحت سن ۱۵ سال، به انجام خدمات عامه، مکلف نمی‌گردد. شما با در نظر داشت قواعد (نسخ، عموم و خصوص، مطلق و مقید، مجمل و مفصل) تشخیص دهید که راجع به محکومیت طفل به انجام خدمات عامه، کدام حکم قابلیت تطبیق را دارد؟

مبحث سوم- محرومیت از حقوق اجتماعی:

محرومیت از حقوق اجتماعی، نوع سوم از انجام جزاهای بدیل حبس است که در ماده ۱۴۶ کود جزا، تصریح شده است. قبل از این که به شرح و تفصیل موضوع پردازیم، سوالی مطرح می‌کنیم:

فعالیت شماره (۲۲)

سوال مباحثی:

۱. به نظر شما، محرومیت از حقوق اجتماعی به حیث بدیل حبس در کدام جرایم تعیین شده

میتواند؟

۲. به نظر شما، آیا محکمه میتواند، تحت عنوان محرومیت از حقوق اجتماعی مندرج کود جزا

به حیث بدیل حبس، محکوم علیه را از چند حق محروم نماید؟

جوابهای تانرا مستند به قانون ارایه نمایید.

محرومیت از حقوق اجتماعی تحت عنوان جزای تبعی، جزای تکمیلی و حتی تدابیر تامینی مورد بحث مقنن قرار گرفته است.

در جزای تبعی در صورتیکه مرتکب جرم به بیش از ده سال حبس تنفیذی محکوم شود، از یک سلسله حقوق اجتماعی نیز محروم می شود. البته طوریکه از تعریف جزای تبعی معلوم است، محکوم علیه به این جزا زمانی محکوم شده می تواند که به جزای اصلی محکوم شده باشد.

در جزای تکمیلی، نیز محکمه می تواند در پهلوی جزای اصلی مبنی بر حبس، محکوم علیه را از یک سلسله حقوقی که در حکم خویش تصریح می نماید محروم سازد. یعنی، در این نوع، محکمه مستقیماً به محرومیت از حقوق اجتماعی حکم نمی کند، بلکه در پهلوی جزای اصلی مبنی بر حبس، محکوم علیه را در نص حکم از حقوق مندرج در قانون نیز محروم می سازد.

در تدابیر تامینی هدف از محرومیت از حقوق، مجازات محکوم علیه و یا متهم نیست بلکه محدود ساختن خطر است، در حالیکه بدیل حبس به حیث جزا بالای محکوم علیه اعمال می شود.

به هر صورت، محکمه در جرایمی که جزای آن الی یکسال حبس تنفیذی باشد، به محرومیت به یک چند حق از حقوق اجتماعی مندرج ماده ۱۶۷ کود جزا، حکم کرده می تواند.

ماده ۱۶۷ کود جزا: «محکمه می تواند با رعایت شرایط مندرج در این فصل، محکوم علیه را که مستوجب جزای حبس قصیر باشد، برای مدت معین از یک یا بیش از یک حق اجتماعی منحیث جزای بدیل حبس قرار ذیل، محروم کند:

۱. تنزیل یک رتبه یا درجه.
۲. کسر یک سوم معاش برای یک سال.
۳. انفصال مؤقت از مشاغل دولتی و خدمت در مؤسسه ها و نهادهای عمومی غیر دولتی با توجه به جرم ارتكابی از شش ماه تا دو سال.

۴. منع از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه معین در صورتی که جرم مربوط به شغل وی باشد، تا یک سال.
 ۵. محرومیت از دریافت جواز فعالیت شغل معین از یک تا سه سال.
 ۶. محرومیت از عضویت در هیئت مؤسس و هیئت مدیره شرکت های تجارتی، بانک ها و مؤسسه ها یا محرومیت از مدیریت عامل تا یک سال.
 ۷. محرومیت از معامله با ادارات دولتی یا مؤسسه های غیر دولتی یا شرکت در مزایده و مناقصه از یک تا پنج سال.
 ۸. محرومیت از رانندگی از شش ماه تا سه سال.
 ۹. مسدود کردن حساب های معین یا محرومیت از افتتاح حساب جاری و یا محرومیت از دریافت تسهیلات و اعتبارات بانک ها و سایر مؤسسه های مالی از یک تا سه سال.
 ۱۰. محرومیت از حمل سلاح برای افراد مجاز دارنده سلاح تا دو سال.
 ۱۱. اخراج اتباع خارجی از کشور و منع ورود مجدد آنها به افغانستان از یک تا پنج سال.
 ۱۲. منع خروج اتباع افغانی از کشور از شش ماه تا یک سال.
- این نوع بدیل حبس، فقط زمانی ملغی شده به حبس تبدیل می گردد که محکوم علیه در جریان آن مرتکب جرم دیگری گردد. یعنی در صورتیکه محکوم علیه در دوران محکومیت مرتکب جرم دیگری شود، در اینصورت بدیل حبس مبنی بر محرومیت از حقوق اجتماعی لغو، و مدت باقیمانده به حبس تبدیل می شود.

فعالیت شماره (۲۳)

سوال مباحثی:

ماده ۱۶۷ کود جزا را به دقت مطالعه کنید، و بگویید که آیا برای مرتکب جرم، سپری نمودن حبس قصیر در زندان شدید است یا محرومیت از حقوق اجتماعی مندرج ماده مذکور (به حیث جزای بدیل حبس)؟ به طور مثال:

- با توجه به بند ۵ ماده ۱۶۷ کود جزا: آیا برای محکوم علیه، سپری کردن حبس قصیر، گران تمام می‌شود یا اینکه برای مدت سه سال از دریافت جواز شغل معین، محروم شود. بالخصوص که آن شغل، یگانه حرفه او باشد؟
 - با توجه به بند ۷ ماده مذکور: آیا برای محکوم علیه، سپری کردن حبس قصیر، گران تمام می‌شود یا اینکه برای مدت پنج سال از معامله با ادارات دولتی و غیر دولتی در مزایده و مناقصه، محروم شود. بالخصوص که او یک پیمان کار باشد و یگانه پیشه او همین باشد؟
 - سایر بند های ماده مذکور را نیز مقایسه کنید و نظر بدهید.
- در اخیر بگویید که آیا محکمه حین محکومیت متهم به محرومیت از حقوق اجتماعی (منحیث جزای بدیل حبس) موافقه او را حاصل می‌کند یا خیر؟

فعالیت شماره (۲۴)

تفکر انتقادی:

ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزائی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، در مورد محرومیت از حقوق اجتماعی، هیچ حکمی را دربر ندارد. آیا شما علت این را میدانید؟

مبحث چهارم- حبس در منزل:

حبس در منزل نوع چهارم از انواع بدیل های حبس است که علاوه بر قواعد بین المللی توکیو در اکثر کشورها آنرا به حیث بدیل حبس در قوانین جزایی خود جا داده اند. خوشبختانه با انفاذ کود جزا، برای بار اول حبس در منزل به حیث بدیل حبس داخل حقوق جزای افغانستان شد.

این نوع از بدیل های حبس برای مجرمین کم خطر، که جرایم ارتكابی شان خفیف و یا غیر عمدی باشد استفاده می شود^۱، و به عوض فرستادن او به محبس، جزای خود را در منزل با خانواده، و تحت شرایط خاص مربوط به مجرم و خانواده سپری می نماید. به این ترتیب از ظرفیت های منزل و خانواده او برای اصلاح دوباره مجرم استفاده صورت می گیرد. در کود جزای افغانستان، جرایمی که جزای آن الی پنج سال حبس باشد، محکمه میتواند، مرتکب آنرا به جزای حبس در منزل محکوم نماید^۲.

فعالیت شماره (۲۵)

سوال مباحثوی:

به نظر شما؛ حبس در منزل در کدام جرایم و به چه اندازه بالای مرتکب جرم حکم شده می تواند؟ در صورت تغییر مکان، محکوم علیه به حبس در منزل مکلف به رعایت کدام مراحل است، واضح سازید؟

جواب های تانرا مستند به قانون ارایه کنید.

^۱ - همچنان در موارد دیگر از آن استفاده می شود مانند اینکه حبس شخص در محبس بار سیاسی گرانی داشته باشد و منافع ملی را به خطر

مواجه سازد، و یا اینکه محکوم علیه بزرگسال، طفل و یا زن باشد و یا مریض و یا افتاده باشد و غیره.

^۲ - فقره اول ماده ۱۶۸- (۱) "محکمه می تواند با رعایت شرایط مندرج این فصل، محکوم علیه را که مستوجب جزای حبس تا پنج سال باشد به سپری نمودن حبس در منزل حکم نماید".

گفتار اول: مفهوم حبس در منزل و شرایط آن:

حبس در منزل عبارت از محدود یا سلب کردن آزادی شخص در منزلش می‌باشد.

حبس در منزل مانند سایر بدیل‌های حبس برای جرایم خفیف و مجرمین غیر خشن و ابتدایی اعطا شده می‌تواند. ولی اگر حبس در منزل همراه با نظارت الکترونیکی باشد معیارها و شرایط مربوط به مجرمین نسبتاً متفاوت است. به هر صورت طبق صراحت ماده ۱۶۸ کود جزا، حبس در منزل در جرایمی که جزای آن الی پنج سال حبس باشد، از شش ماه الی دو سال جزای حبس در منزل تعیین شده می‌تواند.

فقرة اول و سوم ماده ۱۶۸ کود جزا در زمینه چنین صراحت دارد:

«(۱) محکمه می‌تواند با رعایت شرایط مندرج این فصل، محکوم علیه را که مستوجب جزای حبس تا پنج سال باشد به سپری نمودن حبس در منزل حکم نماید.»

«(۳) مدت حبس در منزل از شش ماه تا دو سال می‌باشد.»

همچنان حبس در منزل ممکن از طریق نظارت الکترونیکی و یا مددگاران اجتماعی کنترل و نظارت گردد. یعنی از یکی از دو شیوه استفاده صورت می‌گیرد. در مورد فقرة ۴ ماده ۱۶۸ کود جزا چنین حکم می‌نماید:

«(۴) حضور محکوم علیه در منزل، از طریق وسیله الکترونیکی که در مرکز نظارت برتطبيق جزای بدیل حبس وجود دارد یا توسط مددگار اجتماعی، کنترل می‌گردد.»

در صورتیکه کنترل و نظارت از طریق وسیله الکترونیکی باشد، محکمه در حکم خویش از آن یادآوری می‌نماید. در این مورد بند سوم ماده ۳۲ ضمیمه شماره دوم قانون اجراءات جزایی چنین صراحت دارد: «محکمه حین صدور حکم به حبس در منزل، مطالب ذیل را در حکم خود تصریح می‌نماید: ... ۳- وسیله که بتواند موجودیت محکوم علیه را در منزل تثبیت نماید.»

نظارت الکترونیکی برای محدودیت شخص در یک ساحة مشخص بطور مستقل و یا با حبس منزل تطبیق می‌شود. که شرایط آن ممکن موجودیت شخص در مکان و اوقات معین باشد و یا این که عدم دوری از یک ساحة معین باشد. از همین رو دیده می‌شود که نظارت الکترونیکی از دو جهت مورد بحث می‌

باشد: جهت مثبت (محکوم در ساحه معین رفت و آمد کند) و یا جهت منفی (محکوم در ساحه معین رفت و آمد نه کند) این دو جهت توسط دو نوع نظارت یعنی فعال و منفعل عملی می شود.

به هر صورت، شرایط قابل رعایت در تنفیذ حبس در منزل را محکمه در حکم خویش تصریح می نماید.

در این مورد ماده ۳۲ ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی چنین صراحت دارد: «محکمه حین صدور حکم به حبس در منزل، مطالب ذیل را در حکم خود تصریح می نماید:

۱. موقعیت و آدرس منزلی که محکوم علیه در آن، مدت محکومیت را سپری می نماید.
۲. احوال و شرایطی که محکوم علیه حق خارج شدن از منزل را داشته باشد.
۳. وسیله که بتواند موجودیت محکوم علیه را در منزل تثبیت نماید.
۴. مرجع نظارت کننده، شیوه نظارت و چگونه گی گزارش دهی.
۵. توجیه یا توضیح معاذیری که سبب تغییر محل سکونت از طرف محکوم علیه می گردد».

از ماده فوق چنین به نظر میرسد که، اشخاصی که دارای منزل نیستند، در صورت ارتکاب جرم، محکمه نمی تواند جزای حبس در منزل را بالای شان حکم نماید.

فعالیت شماره (۲۶)

سؤال مباحثوی:

مراد از منزل چیست؟ و آیا کسانی که در خانه های کرایه زندگی می نمایند، به حبس در منزل محکوم شده می توانند یا خیر؟

آیا حکم حبس در منزل در قسمت کسانی که در خیمه سکونت دارند، قابل تطبیق است یا خیر؟

با وجود اینکه معاذیر موجه برای تغییر محل سکونت در حکم از قبل تصریح می شود، ولی در صورتیکه محکوم علیه با موجودیت عذر موجه بخواهد تغییر مسکن بدهد، باید موافقت کتبی مرجع نظارت کننده را اخذ نماید. در غیر آن مرجع نظارت کننده موضوع را به خارنوالی گزارش می دهد. در صورتیکه نزد خارنوالی ثابت گردد که محکوم علیه شرایط مندرج حکم را رعایت نه نموده است، موضوع را جهت تصمیم گیری به محکمه ارایه می نماید و محکمه بدون اینکه کدام مهلت دیگری بدهد، حکم حبس در منزل را به حبس تنفیذی تبدیل می کند. فقره ۵ ماده ۱۶۸ کود جزا: «(۵) هرگاه محکوم علیه شرایط حبس

در منزل را که قبلاً در حکم محکمه تصریح شده است رعایت نکند، مدت باقیمانده جزای بدیل حبس به حبس تنفیذی تبدیل می‌گردد».

گفتار دوم- مزایا و عیوب حبس در منزل:

در این گفتار مزایای حبس (فرع اول) و عیوب حبس (فرع دوم) را به طور مفصل بیان می‌کنیم.

فرع اول: مزایای حبس در منزل:

۱. در مجازات حبس در منزل، از این که مجرم در جامعه زندگی می‌کند، روابط اجتماعی وی با فامیل و دوستان و بعضاً محل کار و پیشه‌شان از بین نمی‌رود. علاوه بر این که زمینه باز اجتماعی شدن پا برجا خواهد ماند، جنبه بازدارندگی هم دارد. همچنان در این برنامه محکومین می‌توانند برخی از فعالیت‌های اقتصادی را از داخل خانه انجام بدهند، مانند صنایع دستی، ترجمه و تألیف... به همین منظور مسولیت‌های اقتصادی خود و فامیل خود را نیز به عهده خواهند داشت.
۲. در صورتیکه حبس در منزل بدون نظارت الکترونیکی باشد یک امتیاز پنداشته می‌شود، ولی اگر با نظارت الکترونیکی یکجا باشد در این صورت با خریداری و به کار انداختن و نگهداری وسایل و تجهیزات نظارتی قیمت تمام می‌شود.
۳. حبس در منزل از دیدگاه اجتماعی، آثار بدنام‌کننده جدی مثل حبس در زندان، ندارد که این خود یک امتیاز برای مجرمین است. مثلاً: حبس در منزل مجرم را از خطر تجاوز جنسی، مبتلا شدن به امراض ساری، و خو گرفتن با مجرمین خطرناک، مصون میدارد.
۴. منزل جای مناسبی است برای نوع خاصی از مجرمین مانند مریضان روحی و جسمی، اشخاص معلول و زنان باردار و امثال آنها.
۵. حبس در منزل از تراکم جمعیت محابس جلوگیری می‌کند که خود سبب صرفه‌جویی در مصارف دولت می‌شود.

۶. حبس در منزل، زمینه برخی از کارها را که در داخل منزل قابل اجرا است برای محکوم علیه، مساعد می‌سازد، و از صدمه زدن به اقتصاد او و خانواده اش جلوگیری می‌کند.

فرع دوم: عیوب حبس در منزل:

۱. اشخاصی که مسکن ندارند، تطبیق حبس در منزل در مورد شان یا ناممکن است و یا این که بسیار پر مصرف می‌باشد.

۲. جنبه تنبیهی حبس در منزل بالای مجرمین ضعیف است.

۳. در صورتی که حبس در منزل با نظارت الکترونیکی همراه باشد، ممکن هر مجرم توانایی خریداری وسایل و تجهیزات نظارتی را نداشته باشد.

به هر صورت، در تحقیقات انجام شده دیده می‌شود که مزایای حبس در منزل نسبت به عیوب آن بیشتر است. خصوصاً در مورد مجرمین معتاد به مواد مخدر؛ ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که در پایان دوره حبس در منزل توأم با نظارت الکترونیکی، فیصدی ترک اعتیاد از ۳۲ در صد به ۹۵ در صد بالا رفته است.^۱

فعالیت شماره (۲۷)

قضیه فرضی ۱:

شخص (الف) در ماه قوس سال ۱۳۹۳ به ارتکاب جرم سرقت از طرف محکمه به ۹ سال حبس تنفیذی محکوم شده است. بیش از چهارونیم سال مدت محکومیت خویش را در محبس سپری کرده است و به طور دوامدار اصلاح حال خود را ثابت ساخته است. با انفاذ کود جزای افغانستان، درخواست تعویض حبس باقیمانده خویش را به بدیل حبس می‌نماید. آمر محبس آنرا می‌پذیرد؛ وکیل مدافع چنین استدلال می‌نماید: موکل ام اصلاح حال خویش را ثابت ساخته، و نباید مدت باقیمانده خویش را در محبس سپری نماید، بناء تقاضا می‌نمایم تا مدت باقیمانده او به بدیل حبس تعویض شود.

۱ - همان، ص ۱۲۳ الی ۱۲۵

استدلال خارنوال:

۱. بدیل حبس حین محاکمه تعیین شده می تواند، در حالی که شخص (الف) قبلاً به جرم سرقت محکوم شده است، در این صورت مستحق بدیل حبس شده نمی تواند.
 ۲. در جرایمی که اصل مجازات آن بیش از پنج سال باشد، تعیین جزای بدیل حبس جواز ندارد. در حالی که شخص (الف) به ۹ سال حبس محکوم شده است. بناء درخواست وکیل مدافع، مخالف قانون است. خارنوال یک کاپی اعتراض خویش را در دوسیه و دومی اش را به وکیل مدافع می دهد، و دوسیه را به محکمه ارسال می نماید.
- اشتراک کننده گان محترم، شما تقاضای وکیل مدافع و اعتراض خارنوال را در روشنایی قانونین نافذه کشور، تحلیل نموده و نظر خویش را ارائه کنید.

فعالیت شماره (۲۸)

قضیه فرضی:

سه نفر هر یک (الف) ۶۶ ساله به حیث فاعل جرم، ب ۴۵ ساله به حیث شریک جرم، ج ۲۵ ساله به حیث معاون جرم) در یک عمل مجرمانه که مجازات آن در قانون، حبس متوسط تعیین شده است، تحت محاکمه قرار دارند. محکمه به نسبت عدم موجودیت موانع تعیین بدیل حبس و با در نظر داشت شخصیت و اهلیت مرتکبین - آنها را قرار ذیل به جزای بدیل حبس محکوم می نماید.

- محکومیت شخص (الف) ۶۶ ساله: از این که او در باغداری مهارت دارد، در یکی از باغهای عمومی روزانه به ۴ ساعت کار در مقابل ۳۰ فیصد مزد، محکوم است، ولو که رضایت ندارد.

- محکومیت شخص (ب) ۴۵ ساله، از اینکه تکسی ران است و شخص (الف) را در موتر خود در محل ارتکاب جرم انتقال داده و با او در ارتکاب جرم شریک شده بود. محکمه او را قرار ذیل محکوم کرد: ۱- مطابق بند ۱۰ ماده ۱۵۸ کود جزا، به درمان اختلال های روانی و رفتاری - منحیث دوره مراقبت- اقدام نماید. ۲- مطابق بند ۸ ماده ۱۶۷ کود جزا تا زمانی که صحت یاب می شود، - منحیث محرومیت از حقوق اجتماعی - شش ماه از تکسی رانی محروم گردد.

- محکومیت شخص (ج) ۲۵ ساله: از این که سلاح دارای مجوز قانونی خود را به شخص (الف) داده بود، مطابق بند ۱۰ ماده ۱۶۷ کود جزا، از حمل سلاح الی یک سال، و مطابق بند ۸ ماده مذکور، از رانندگی تا شش ماه، محروم است.

اشتراک کننده گان محترم شما حکم محکمه را تحلیل نموده، و صحت یا سقم آنرا مستند به قانون تحریر نمایید؟

فعالیت شماره (۲۹)

قضیه فرضی:

محکمه ابتدائیه شهری ولایت ننگرهار، چهار نفر هر یک، الف نام ۳۰ ساله، ب نام ۲۸ ساله، ج نام ۴۲ ساله و د نام ۳۸ ساله را به نسبت جرایم جداگانه در جلسات قضایی جداگانه به بدیل حبس قرار ذیل محکوم نموده است.

الف نام را در جرمی که جزای اصلی آن الی پنج سال است، به دوره مراقبت محکوم نموده است.
ب نام را در جرمی که جزای اصلی آن الی پنج سال است، به خدمات عامه محکوم به جزا نموده است.
ج نام را در جرمی که جزای آن حبس قصیر است، به محرومیت از حقوق اجتماعی محکوم نموده است.
د نام را در جرمی که جزای آن الی پنج سال است، به مدت یک و نیم سال حبس در منزل محکوم نموده است.

قابل یادآوری است که هر چهار حکم، قطعی و نهایی شده اند. اشتراک کنندگان در قضایای فوق سوالات ذیل را مستند به قانون حل نمایند.

۱- در صورت تخلف از شرایط مندرج فیصله در هر چهار قضیه فوق، چگونگی کمی و کیفی سرنوشت محکومین را تشریح نمایید؟

۲- در صورت ارتکاب جرم دیگر، در دوران سپری نمودن محکومیت به بدیل حبس، چگونگی کمی و کیفی سرنوشت محکومین قضایای فوق را تشریح نمایید؟

نتیجه گیری فصل دوم:

در جریان مباحثات روی موضوع بدیل حبس در قوانین جزایی نافذۀ افغانستان به نتایج زیر دست یافتیم:

۱. بدیل حبس نخست در قانون اجراءات جزایی ۱۳۹۳، در پنج ماده تنظیم گردیده بود. سپس کود جزای ۱۳۹۶، در ۲۳ ماده تنظیم گردید، بدون اینکه در مورد الغای مواد قانون اجراءات جزایی تصریح کند. یکماه بعد از نفاذ کود جزا، ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۸۶ مؤرخ ۱۵ حوت ۱۳۹۶، به داخل هشت فصل و ۶۷ ماده نافذ گردید، و با انفاذ آن، پنج ماده قانون اجراءات جزایی (مواد ۳۲۵ تا ۳۲۹) لغو گردید؛
۲. ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، به منظور تنظیم امور مربوط به طرز تطبیق جزاهای بدیل حبس و حجز، وضع گردیده است؛
۳. بدیل حبس به منظور تحقق اهداف زیر، در نظام جزایی افغانستان ایجاد شده است:
 - ا. جلوگیری از ازدحام محبوسین در محابس.
 - ب. کاهش مصارف محابس.
 - ت. جلوگیری از تأثیرات سوء مجازات حبس بالای محکومین و خانواده های آنها و جامعه.
 - ث. فراهم نمودن زمینه بهتر اصلاح، تربیت و بازگشت محکومین بدیل حبس به خانواده، جامعه و زندگی مسالمت آمیز.
۴. چهار نوع بدیل حبس که عبارت اند از (دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی، و حبس در منزل) در کود جزای افغانستان پیشبینی شده است؛
۵. حکم به بدیل حبس در جرایمی صورت گرفته می تواند که اکثر جزای معین قانونی آن الی پنج سال حبس باشد؛
۶. هرگاه در جریان حبس، اصلاح حال محکوم علیه مشاهده شود، مطابق شرایط پیشبینی شده، حبس وی به بدیل حبس تعویض شده می تواند؛

۷. مرتکبین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، تروریستی، تمویل تروریسم، تجاوز جنسی، فساد اداری، و جرایم نسل کشی، ضد بشری، جنگی، قتل و مرتکبین جرایم خشونت علیه زن، قاچاق مواد مخدر، و اختطاف، از بدیل حبس مستفید نمی شوند.
۸. هرگاه محکوم علیه بدیل حبس از شرایط مندرج حکم محکمه، تخلف ورزد، دو حالت متصور است: الف) اگر بدیل حبس دوره مراقبت باشد، برای بار اول جزای محکوم بهای بدیل حبس الی یک ونیم چند بیشتر می شود، در صورت تکرار تخلف، بدیل حبس ملغی، و مدت باقیمانده به جزای حبس تبدیل می گردد. ب) اما اگر بدیل حبس انجام خدمات عامه باشد، بار اول حد اکثر تا ۸۰ ساعت، در ساعت های انجام خدمات عامه وی افزود می گردد، در صورت تکرار، محکمه می تواند به اساس پیشنهاد حارنوال مربوطه، مدمت خدمات عامه باقیمانده وی را به حبس تبدیل نماید.
۹. در رابطه به جزای بدیل حبس، بعضی تناقضات شکلی، میان کود جزا و ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، وجود دارد.

نتیجه گیری عمومی:

این جزوه آموزشی که در مورد بدیل حبس تهیه گردیده است شامل دو فصل (مفاهیم کلی بدیل حبس) و (بدیل حبس در قوانین جزایی نافذه افغانستان) می باشد. بعد از اجرای مباحثات روی موضوعات متذکره، اشتراک کننده ها دریافتند که:

۱. بدیل حبس جزایی است که بالای مرتکب جرم به عوض حبس، به شکل رهایی مقید از طرف محکمه حکم می شود؛
۲. کود جزای ۱۳۹۶ افغانستان برای بدیل حبس، وصف دوگانه داده است؛ گاهی آنرا منحیث جزای اصلی و گاهی منحیث بدیل جزای اصلی بکار برده است؛
۳. تأثیرات سوء روانی بر محبوسین، تناقض حبس با شخصی بودن مجازات، بار سنگین مالی محبس بر دولت، زوال حس مسئولیت نزد محبوس، پایین بودن سطح صحی و اخلاقی زندانیان در محبس، و به وجود آمدن مفکوره های مجرمانه دیگر نزد محبوس، از عللی است که توجه قانونگذار جزایی افغانستان را به بدیل حبس، معطوف داشته است.
۴. مرتکبین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، تروریستی، تمویل تروریزم، تجاوز جنسی، فساد اداری و مالی، نسل کشی، ضد بشری، جنگی، تجاوز علیه دولت، قتل، خشونت علیه زن، قاچاق مواد مخدر، و اختطاف، و مجرمین متکرر، از بدیل حبس برخوردار نمی گردند. خواه جزای محکوم بهای حبس شان کم باشد یا زیاد.
۵. چهار نوع بدیل حبس در کود جزای افغانستان پیشبینی شده است که عبارت اند از (دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی، و حبس در منزل)
۶. در رابطه به جزای بدیل حبس، بعضی تناقضات شکلی، میان کود جزا و ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز، وجود دارد.

مآخذ:

الف) قوانین:

۱. کود جزا، منتشره جریده رسمی شماره ۱۲۶۰، ۲۵ ثور، ۱۳۹۶ ه. ش
۲. ضمیمه شماره (۲) قانون اجراءات جزایی در مورد تطبیق بدیل های حبس و حجز. فرمان تقنینی شماره ۲۶۷ مورخ، ۱۳۹۶/۱۲/۱۳ ه. ش

ب) کتاب ها:

۱. ابرند آبادی، نجفی، علی حسین، حقوق جزای عمومی ۲، اقدامات و کیفیهای جایگزین زندان، تهیه شده توسط رایجان مهرداد، تقریرات درسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، سالهای ۱۳۷۸-۱۳۷۹.
۲. احدالله، عظیمی، مسؤل تعلیمات دوامدار دفتر بنیاد بین المللی-افغانستان، سلایدههای تهیه شده آموزشی، سال ۱۳۹۳.
۳. پروژه دفتر ملل متحد برای مواد مخدر و جرایم، تطبیق بدیل حبس در مطابقت با معیارات بین المللی و قوانین ملی، می ۲۰۰۸.
۴. جمال الدین محمد، ابن منظور، لسان العرب، جلد یازدهم، بیروت، دارالصادر، سال ۲۰۰۴ میلادی.
۵. حسین آقایی، جنت مکان، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ دوم، انتشارات جنگل، سال ۱۳۹۱.
۶. حسن، عمید، فرهنگ فارسی عمید، دو جلدی انتشارات امیر کبیر، تهران، جلد دوم، سال ۱۳۹۱ خورشیدی.
۷. محمد، آشوری، جایگزینهای مجازات زندان یا مجازات بینابین، طرح برای دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم ملل متحد، نشرگرایش، چاپ دوم تهران، سال ۱۳۸۲.

۸. محمد بصیر، حقیر اسحق زوی، بدیل‌های حبس در اسناد تقنینی افغانستان و قواعد بین الملل، پوهنتون کاتب، تیزس ماستری، سال ۱۳۹۳.
۹. میشل، فوکو، مراقبت و تنبیه تولد زندان، مترجمان-نیکو سرخوش و افشین جهان‌دیده، نشر نی، چاپ نهم سال ۱۳۹۰.
۱۰. مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، حد اقل استاندارد قواعد سازمان ملل متحد در رابطه با اقدامات غیر سالب آزادی، قطعنامه شماره ۴۵/۱۱۰ مورخ ۱۴ دسامبر سال ۱۹۹۰

(ج) سایت های انترنتی:

www.alifathilawyer.persianblog.it

www.mudaser.persianguig.com

www.almaany.com